

---Name of Journal-----

Vol(issue), PP.

.atu.ac.ir

DOI:



ATU
PRESS

To fruition petroleum under extractive institutions: create inclusive institution in Iran's oil upstream

Mastaneh Jamshidi Roudbari*

The student of Ph.D., Oil and Gas
Economics, Allameh Tabataba'i University,
Tehran, Iran.

Farshad Momeni

Full Professor ,Economics Dept. ,Faculty of
Economic Planning and Development,
Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

National interests include the current and future generation's interests. Oil and gas are exhaustible resources and maximizing national benefits along with maintaining current and future benefits in exploiting these resources is very important. Extracting oil is one of the examples of national interests. In this regard and according to the introduction of the general policies of the resistance economy of Iran, which emphasizes the endogenous and externally oriented economy, the purpose of internationalization of the National Iranian Oil Company (NIOC) has been followed in this paper, which that make this company an inclusive institution and cause optimal allocation of oil dollars also maximizes the intergeneration benefits. This purpose was followed by a historical and social analysis and historical review of rules and contracts of Iran's oil upstream. This analysis done by Williamson's four-level theory, the analysis of Ostrom's institutional framework and North's social orders. The participants and the institutional environment of the Iran oil upstream were analyzed. The purpose of internationalization has never been in the description of the duties of the NIOC, despite the prevalence of this approach among the national oil companies in the world. In order to succeed in the internationalization of the NIOC, it should be focused on the aspect of techno - ware of the Iran's oil upstream, as well as the need for the convergence and support of the government with this purpose and governance reform of Iran oil upstream according to the current conditions of the country's reservoirs and the ability to carry out successful oil operations inside and outside the borders of the country. The first step to build an inclusive institution in the upstream sector of

* Corresponding author: Janmroudbari@yahoo.com

Original Research / Review / ...

Received:

Accepted:

ISSN:

eISSN:

Iranian oil is to convince the extractive institutions benefiting from oil rents that such institutional changes will not reduce their benefits from rents.

Keywords: New institutional economic approach ,Internationalization of the NIOC, Extractive institutions, Inclusive institution, Governance.

JEL Classification : B۴۱, P۰۰, Q۳۲, Q۳۴, Q۳۸



ثمرده کردن نفت تحت نهادهای استثماری: ساخت نهاد فراگیر در بخش بالادستی نفت ایران^۱

دانشجوی دکتری، اقتصاد نفت و گاز، دانشگاه علامه طباطبائی
تهران، ایران

مستانه جمشیدی رودباری*
ID

استاد، برنامه ریزی و توسعه اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبائی
تهران، ایران

فرشاد مومنی
ID

چکیده

منافع ملی شامل منافع نسل فعلی و نسلهای آینده است. نفت و گاز منابع پایان پذیرند و بیشینه سازی منافع ملی همراه با حفظ منافع حال و آینده در بهره‌برداری از این منابع با اهمیت است. از آنجا که ثمرده کردن نفت از مصادیق حفظ منافع ملی است در این پژوهش با توجه به مقدمه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که تاکید بر اقتصاد درونزا و برون‌نگر شده است، هدف بین‌المللی شدن شرکت ملی نفت دنبال شده که از مصادیق ثمرده کردن سرمایه ملی و استراتژیک نفت است. تبدیل شدن این شرکت به یک شرکت ملی-بین‌المللی، می‌تواند آن را به یک نهاد فراگیر در اقتصاد کشور تبدیل کند به این معنی که منجر به تخصیص بهینه دلارهای نفتی و سرریز منافع آن به نسل‌های آینده گردد. برای بررسی این تغییرات نهادی در بخش بالادستی نفت کشور از نظریات سه اقتصاددان نهاد‌گرای جدید به صورت تلفیقی استفاده شده است یعنی نظریات چهارسطحی ویلیامسون، تحلیل چارچوب نهادی استروم و نظم‌های اجتماعی نورث. به کمک این نظریات بخش بالادستی نفت ایران، مرور تاریخی، مرور قواعدی و تحلیل اجتماعی شده است تا نهادهای حکمرانی و ترتیبات نهادی محیط کنش بخش بالادستی نفت کشور شناخته شوند. نتایج بدست آمده از این تحلیل‌ها عبارتند از: علی‌رغم رونق بین‌المللی شدن در میان شرکت‌های ملی نفت در سطح جهان این هدف، هیچگاه در شرح وظایف شرکت ملی نفت ایران نبوده است. برای موفقیت در بین‌المللی شدن شرکت ملی نفت ایران باید در بُعد سازمان افزار فناوری بخش بالادستی نفت ایران تمرکز داشت همچنین نیاز به همگرایی و حمایت دولت با این هدف و تغییر نظام تدبیر امور (حکمرانی) این بخش با توجه به شرایط فعلی مخازن کشور و توانمندی انجام عملیات نفتی موفق درون و برون مرزهای کشور است. قدم اول برای ساخت یک نهاد فراگیر

۱. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته اقتصاد نفت و گاز دانشگاه علامه طباطبائی است.

* نویسنده مسئول : jamroudbari@yahoo.com

و آغاز گذار در بخش بالادستی نفت ایران، قانع کردن نهادهای استثماری بهره‌مند از رانت نفت است بر این مبنا که اعمال چنین تغییرات نهادی ای سبب کاهش بهره‌مندی از رانت نخواهد شد. در واقع ماهیت این رانت از رانت ضد تولید و ارزش زدا به رانت شومپیتری تغییر خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل چهار سطحی اجتماعی، چارچوب تحلیل نهادی، نظم های اجتماعی، بین المللی شدن شرکت ملی نفت ایران، نظام تدبیر امور، نهاد فراگیر، نهاد استثماری

طبقه بندی JEL: Q۳۸, Q۳۴, Q۳۲, P۰۰, B۴۱

۱. مقدمه

منافع ملی شامل منافع نسل فعلی و نسلهای آینده است. این واژه مفهومی است که فراتر از قلمرو اقتصاد و در برگیرنده حوزه‌های سیاسی و فرهنگی نیز می باشد. منافع ملی را زمانی می توان مبنای سیاست‌های راهبردی قرارداد که منعکس کننده برآیند منافع ملی در همه حوزه‌ها باشد. اگر تشخیص مصلحت بر ملاحظات ایدئولوژی و ارزشی مبتنی باشد شناخت مصادیق آنها صرفاً با تکیه بر آگاهیهای رشد یافته در چنین فضای تعامل اندیشمندان حوزه های علوم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ارتباطات ممکن خواهد بود. (درخشان، ۱۳۸۱: ۱۵-۱۳).

نفت و گاز منابع پایان پذیرند و بیشینه سازی منافع ملی همراه با حفظ منافع حال و آینده در بهره‌برداری از این منابع بسیار با اهمیت است. مروری بر روند توسعه اقتصادی در گذشته به ویژه بعد از افزایش شدید قیمت نفت در سال ۱۹۷۴ میلادی نشان می‌دهد که وابستگی اقتصاد ما به دلارهای نفتی شدت گرفته است زیرا ضریب تأثیری که امروز کاهش دلارهای نفتی در اقتصاد ملی دارد به مراتب بیش از گذشته است (همان: ۶۲).

دلارهای نفتی را چه از دید حسابداری ملی یعنی درآمد و تولید نگاه کنیم و چه از دریچه توسعه که منابع طبیعی را یک دارایی می‌داند، منافع ملی ایجاب می‌کند میزان وابستگی توسعه اقتصادی به صدور نفت خام، همزمان با استفاده از دلارهای نفتی برای رفع تنگنایهای ارزی، اقدام کنیم و از آن به عنوان ابزاری برای خلق ظرفیت تولیدی بین نسلی (چه انسانی چه مادی) استفاده کنیم و با این تدبیر، نسلهای آینده را نیز از چنین درآمدهای ارزی محروم نکرده ایم. این تعریفی است که در این پژوهش با عنوان ثمرد کردن نفت از آن یاد می‌شود.

با آغاز قرن ۲۱ میلادی مطالعات بر روی نفرین منابع تغییر پیدا کردند و از رویکرد کلان محور به رویکرد نهادگرایی تغییر یافت و پیامدهای منفی استخراج منابع طبیعی در کشورهای دارنده این منابع را به علت حداکثر سازی نامحدود منافع شخصی سیاست گذاران و نادیده گرفتن منافع عمومی، برای بدست آوردن رانت نفت دانستند به گونه ایی که این نوع عملکرد سبب به وجود آمدن دولت های رانتیر در این کشورها شده است (دیتزه^۱، ۲۰۱۲: ۱۲۹-۱۲۷).

تقریباً تمام متونی که پدیده نفرین منابع را بررسی کرده اند، علت را در توزیع رانت یا ساختار رفتار دولت رانتیر دانسته اند (دیتزه^۲، ۲۰۱۲: ۱۴۱) و این نتیجه را گرفته اند که کشورهای دارنده منابع طبیعی برای جلوگیری از پیامدهای منفی مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که به دلیل استخراج منابع طبیعی، نیازمند نهادهای خوب^۳ هستند. توصیه های سیاستی ای نیز برای داشتن نهادهای خوب نظیر ثبات در قراردادها، حاکمیت قانون^۴، انتخابات رقابتی^۵، آزادی سیاسی، سطوح پایینی از فساد و در آخر شفافیت در مدیریت در آمد ناشی از منابع طبیعی بیان شده اما هیچ تعریف مشترکی برای اینکه نهادهای خوب کدامند و چگونه به وجود می آیند ارائه نشده است (همان: ۱۲۶).

نکته دیگر آنکه اگر نهادهای خوب قرار است رفتار غارتگرانه صاحبان قدرت سیاسی و مقامات دولتی را محدود کند چگونه می توان این عوامل را در صورت ثبات سایر شرایط قانع کرد که اصلاحات نهادی را بپذیرند در حالی که این اصلاحات منافع شخصی آنها را محدود می کند و نگاه به منافع عمومی دارد. رانت منابع طبیعی بر روی بافت نهادی اثر می گذارد و تاثیر آن در بلند مدت هم استمرار می یابد. در واقع این دولت ها به سختی به تغییرات نهادی مورد نیاز اقدام می کنند (مطالعه^۶، ۲۰۲۰: ۱).

عبارت اقتصاد نهادگرایی جدید اولین بار توسط الیور ویلیامسون^۷ در سال ۱۹۷۵ استفاده شد. اقتصاددانان نهادگرایی جدید نظیر ویلیامسون با تعریف دیگری از علم اقتصاد، روش دیگری برای مطالعه مسائل پیچیده اقتصاد مطرح کردند و آن علم قرارداد^۸ است. قوانین بازی

۱. Dietsche

۲. Dietsche

۳. Good Institutions

۴. Rule of law

۵. Electoral Competition

۶. Matallah

۷. Oliver Williamson

۸. Science of Contract

هر چه باشند، دیدگاه قرارداد نقش مفیدی در اجرای بازی ایفا می کند و اقتصاد هزینه مبادله در این تعریف از علم اقتصاد مطرح می شود. نظام تدبیر امور، ابزار اقتصاد هزینه مبادله است که با ایجاد نظم سبب کاهش تضادها می شود. (ویلیامسون، ۲۰۰۲: ۱۷۲). وجود همین هزینه های مبادلاتیست که می تواند بر تداوم نهادهای ناکارآمد اثر گذار باشد. (نورث، ۱۹۹۲: ۹۵) اگر نظام تدبیر بر روی تنگناها هدف گذاری شده باشد و بتواند در جهت شفافیت قوانین حاکم در بازی و کاهش ریسک عمل کند آنگاه بر روی کاهش ناکارآمدی و ساختن نهادهای خوب تاثیر گذار خواهد بود. (مومنی، ۱۳۹۹: ۱۴۱-۱۳۲).

در ایران و کشورهای صادرکننده نفت و گاز مشابه، انجام عملیات نفتی (اکتشاف، تولید، بازاریابی و توزیع) در دست شرکت های بین المللی نفتی بزرگ انجام می شده است. با آغاز موج ملی شدن نفت در کشورهای صادرکننده نفت که از ایران آغاز شد بحث حفظ منافع ملی کشور در همکاری با شرکت های بین المللی نفتی مطرح شد. اما در تحقق این منافع این کشورها اغلب با چالشی بزرگ روبرو بودند و آن نا متقارن بودن اطلاعات و قدرت چانه زنی بالای شرکت های بین المللی نفتی بود که مانع جدی ای برای تحقق این هدف به حساب می آمد.

آنچه شرکت های بین المللی نفتی دنبال می کردند حفظ منافع کشور متبوعشان که همانا امنیت عرضه انرژی به عنوان موتور برای توسعه بود و این هدف با منافع کشورهای صادرکننده نفت در تضاد قرار داشت. به عبارتی دیگر دولت کشور صاحب منبع که اغلب رانیر هستند نیاز مبرم کشورهای صنعتی به نفت و نیاز خود به دلارهای نفتی را با عرضه ثروت نسل حال و آینده پوشش داده است و دلارهای نفتی حاصله در بیشتر مواقع نه در جهت توسعه کشور بلکه در جهت حفظ دولت حاکم، تخصیص سیاسی داده شده است. (کارل^۱، ۲۰۰۷: ۲۵۹).

برای ثمره کردن دلارهای نفتی و بهره برداری بهینه جهت حفظ منافع ملی، نوع و شیوه هدف گذاری و تصمیم سازی برای بخش بالادستی و پایین دستی صنعت نفت کشور اهمیت دارد. در این پژوهش این مهم صرفاً در بخش بالادستی نفت ایران دنبال می شود. پس از انقلاب اسلامی ایران دو تغییر اساسی در بخش بالادستی صنعت نفت کشور اتفاق افتاد. نخست حرکت تدریجی مخازن نفتی کشور به سمت ضرورت تولید ثانویه و دوم

۱. Karl

ثمرده کردن نفت تحت نهادهای استثماری: ساخت نهاد فراگیر | ۷

تاسیس وزارت نفت در بخش حاکمیتی نفت با شرح وظایفی غیر روشن به مدت ۴ دهه. این دو تغییر در بخش بالادستی نفت را این گونه بازنویسی می کنیم:

- بهره برداری از مخازن کشور احتیاج به برنامه ریزی برای استفاده از روش های ازدیاد برداشت دارد.

- اختلاط وظایف دو بازیگر اصلی بخش بالادستی نفت ایران (وزارت نفت و شرکت ملی نفت)، از هم گسیختگی در سیاست گذاری و سوء مدیریت ایجاد می کند.

ضعف اسناد بالادستی نفت در رفع این دو مهم خود را در نوع و مفاد قراردادهای نفتی نشان می دهد و نتیجه ای جز ناتوانی در حفظ منافع ملی و بین نسلی و اتخاذ تصمیمات دور اندیشانه و به موقع برای ثمرده کردن نفت با خود همراه نیاورده است.

بنابراین در بخش بالادستی نفت نیازمند تغییرات نهادی هستیم اما پیامدهای تغییرات نهادی باید مشخص باشند تا تغییرات به درستی صورت بگیرد زیرا لزوما تغییرات نهادی به بهینه اجتماعی منجر نمی شوند. ضعف نهادی سبب هدایت رانت منابع به سمت فعالیت های غیر مولد می شود. در این راستا و با توجه مقدمه سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی که تاکید بر اقتصاد درونزا و برون نگر شده است، دو پیامد زیر برای تغییرات نهادی و اصلاح نظام تدبیر امور بخش بالادستی نفت کشور در نظر گرفته شده است:

- توان افزایشی فنی و مدیریتی که بتواند به سایر بخش ها سرریز کند.

- ارتقاء شرکت ملی نفت به یک شرکت ملی - بین المللی

بدین منظور در بخش دوم چارچوب نظری پژوهش که ترکیبی از نظریات سه اقتصاددان نهادگرای جدید است و پیشینه پژوهش شرح داده شده است. در بخش سوم مفاهیم فناوری و بین المللی شدن و در بخش چهارم با توجه به نظریات و مفاهیم مطرح شده در دو بخش قبل، ابتدا مروری بر اسناد بالادستی صنعت نفت کشور و سپس مروری تاریخی بر تولید نفت در ایران انجام شده است. در بخش پایانی با تکیه بر قدرت دانایی که عموم متفکران توسعه و فیلسوفان علم مانند میشل فوکو^۱ به آن اشاره می کنند^۲ نتیجه گیری و توصیه های سیاستی ارائه شده است.

۱. Paul Michel Foucault

۲. گالبرایت (Galbraith)، ۱۳۹۳/۱۹۸۳.

۲. چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

این بخش در دو قسمت ارائه شده است: قسمت نخست چارچوب نظری پژوهش که در بردارنده نظریات سه تن از اقتصاددانان نهاد‌گرای جدید (الیور ویلیامسون، الینور اُستروم، داگلاس نورث) است و قسمت دوم پیشینه پژوهش است.

۲-۱. دولت توانمند: سطوح تحلیل‌های نهادی، تنوع نهادی، سازماندهی جامعه و نظم‌های اجتماعی

بسیاری از کشورهای در حال توسعه در «تله قابلیت» گیر کرده‌اند آنها قادر به انجام مأموریت‌های محوله نیستند حتی اگر بتوانند اهداف و مسیر مناسب را معین کنند با وجود صرف وقت، پول و کوشش، دستاورد چندانی ندارد. وقتی حکومتی در تله قابلیت گیر کرده باشد انجام همان اقدامات گذشته صرفاً اعمال نیروی بیشتر به چرخ‌هایی است که خلاص می‌گردند و این راه حل معقولی نیست و نیازمند تغییرات نهادی و اصلاح نظام تدبیر امور است تا دولت توانمند گردد. (اندروز و همکاران، ۲۰۱۷)

برای فهم نهادها ابتدا باید دانست که آنها چه هستند، چرا و چگونه ایجاد شده و پایدار می‌مانند و در ترتیبات متنوع چه پیامدهایی خواهند داشت (اُستروم، ۲۰۰۵: ۳۹). تعریف واحدی از نهاد در میان اقتصاددانان نهاد‌گرا وجود ندارد. در میان تعریف‌هایی که از نهاد شده است، در این پژوهش از تعاریف نظریه پردازانی استفاده شده است که مبانی نظری این پژوهش را تشکیل داده‌اند.

اُستروم (۲۰۰۵)، نهاد را در یک تعریف کلی عبارت می‌داند از: «روش‌هایی که انسانها برای سازماندهی تمامی تعاملات تکراری و ساختارمند خود استفاده می‌کنند که شامل تعاملات با خانواده، همسایگان، بازارها، لیگ‌های ورزشی، مراکز مذهبی، انجمن‌های خصوصی و دولت‌ها در تمامی سطوح و مقیاس می‌باشد». نورث (۱۹۹۰) نهاد را اینگونه تعریف می‌کند: «نهادها قوانین بازی در جامعه‌اند یا به عبارتی دقیق‌تر، قیودی هستند وضع شده از جانب نوع بشر که روابط متقابل انسانها با یکدیگر را شکل می‌دهند راهنمای کنش متقابل انسان‌ها هستند و سبب نظام‌مند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری می‌گردند».

تجمیعی از تعاریف نهاد را ویلیامسون (۲۰۰۰) ارائه داده است و نهاد را مجموعه ای از ساختار و قاعده می داند یعنی نهاد هم به مفهوم قواعد، آداب و رسوم و روابط افراد یک جامعه است هم به مفهوم روش سازماندهی اجتماعی و اداره امور. نهادها بواسطه تأثیرگذاری بر هزینه مبادله و تولید معمولاً نقش مهمی در عملکرد اقتصادها ایفا می کنند. (نورث، ۱۹۹۰ و ۱۹۹۲). سازمان با نهاد تفاوت دارد و متشکل از گروهی از افراد است که از طریق رفتار نسبتاً هماهنگ، ترکیبی از اهداف فردی و مشترک را دنبال می کنند. چون سازمان ها اقدامات اعضای خود را هماهنگ می کنند، اثر این اقدام های سازمانی از حاصل جمع اقدامات فردی بیشتر است. معمولاً سازمان ها از افرادی تشکیل شده است که با هم ارتباط مکرر دارند و پی تحقق هدفی مشترک هستند، (نورث و همکاران، ۲۰۱۲/۱۳۹۴: ۵۸). مدلسازی برای سازمانها یعنی تحلیل ساختار نظام تدبیر امور (حکمرانی)^۱ که سبب موفقیت آنها در طول زمان می-شود. (همان)

در مباحث نهاد گرایان جدید دو بخش کلی قابل تفکیک است. اولین بخش به تحلیل محیط نهادی و بخش دوم به تحلیل ترتیبات نهادی^۲ می پردازد. این تقسیم بندی توسط داگلاس نورث و لانس دیویس^۳ (۱۹۷۶) تعریف شده است: «محیط نهادی، مجموعه ای از بنیان های سیاسی و اجتماعی و قواعد پایه ای قانونی است که اساس تولید را شکل می دهد. مانند قوانین انتخابات، حقوق مالکیت و حقوق قراردادها^۴. ترتیبات نهادی، عبارت است از ترتیبات حاکم در میان بخش های اقتصادی که رقابت یا همکاری میان آنها را مشخص می کند.» (ویلیامسون، ۱۹۹۳: ۴۵۷).

الف) ویلیامسون: چهار سطح تحلیل اجتماعی و سازماندهی جامعه

ویلیامسون، اقتصاد نهاد گرا را در قالب چهار سطح مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است و توسعه اقتصادی را منوط به تغییر در این سطوح می داند (ویلیامسون، ۲۰۰۰: ۵۹۷).

– سطح یک، سطح ریشه دار اجتماعی است. نهادهای غیررسمی، هنجارها، رسوم، استانداردهای اجتماعی و اخلاقی، سنت ها و برخی جنبه های زبان و معرفت در این سطح جای دارند. بنابراین مذهب نقش تعیین کننده ای در این سطح ایفا می کند. از آنجا که

۱. Governance
۲. Institutional arrangement
۳. Lance Davis
۴. Right of contract

تغییرات در سطح یک، مستلزم تغییرات فرهنگی است، تحول در این سطح بسیار آرام صورت می‌گیرد. (همان، ۵۹۶)

- سطح دوم، محیط نهادی است و شامل قواعد رسمی بازی مانند قانون اساسی، حقوق مالکیت، تشکیلات سیاسی، نهادهای اولیه مالی و سایر قوانین عادی می‌شود. برای تغییرات پایدار، این قواعد باید برآمده از نهادهای سطح یک باشد. (همان ۵۹۷)

البته این امکان هم وجود دارد که به دلیل وجود حکومت‌های استبدادی و دست‌نشانده، قواعد بازی متناسب با فرهنگ و آداب و رسوم (سطح یک) نباشد و از طریق یک دگرگونی کلی (مانند انقلاب) تغییر قواعد بازی امکان پذیر شود. اما چنین تغییراتی را نمی‌توان قاعده محسوب نمود بلکه استثناء هستند. بر عکس حالت فوق، زمانی اتفاق می‌افتد که قواعد بازی مرفقی تر از نهادهای سطح یک از خارج از مرزها آورده شود. در این مورد هم، به دلیل عدم انطباق این قواعد با فرهنگ مردم، اجرای این قوانین با مشکل مواجه می‌شود.

- سطح سوم: نظام تدبیر امور است یعنی نهادهای حکمرانی یا انجام بازی^۱ است. به عبارت دیگر، مجموعه آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌هایی که برای تضمین اجرای قواعد بازی تنظیم می‌شوند، در این سطح قرار می‌گیرد. در واقع، این سطح دومین سطح، اقتصادی کردن است و عمده مباحث مربوط به اقتصاد هزینه مبادلاتی در این سطح قرار می‌گیرد. (ویلیامسون، ۲۰۰۰: ۵۹۸)

- سطح چهارم، اقتصادی کردن سومین سطح است که تخصیص منابع و اشتغال و سایر نظریه‌های اقتصاد نئوکلاسیک در این سطح نمود می‌یابد. در این سطح، از ابزارهای بهینه‌یابی و عمدتاً تحلیل نهایی استفاده می‌شود و بدین منظور، نگاه به طور نوعی به عنوان یک تابع تولید توصیف می‌شود. البته با مفروض دانستن تناسب سطوح یک تا سه با مفروضات نظریه نئوکلاسیک، تخصیص منابع در این سطح منطبق با ابزارهای بهینه‌یابی نئوکلاسیک صورت می‌گیرد. (متوسلی و فتح‌الهی، ۱۳۸۹: ۳۸)

ویلیامسون معتقد است که نسخه واحد و جهان شمولی برای حل مسائل توسعه نیافتگی وجود ندارد بلکه باید برنامه توسعه ویژه‌ای برای حل مسائل هر یک از کشورها به صورت مجزا و بر اساس زمینه‌های تاریخی و ویژگی‌های آنها تهیه نمود. (متوسلی و فتح‌الهی، ۱۳۸۹: ۳۶)

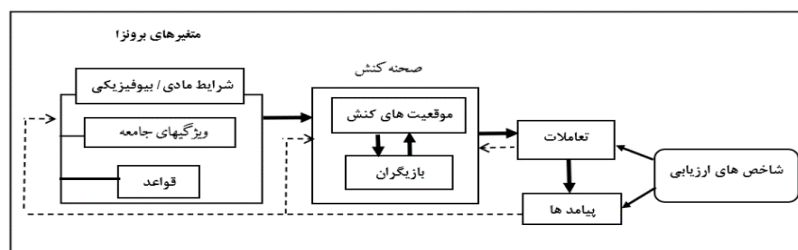
۱. Play of the game

بنابراین برای تغییر در نظام تدبیر امور و یا سازماندهی مجدد نیازمند مطالعه هم زمان محیط نهادی و ترتیبات نهادی هستیم در این پژوهش برای بررسی محیط نهادی از نظریه دو اقتصاددان نهاد‌گرای جدید یعنی الینور اُستروم که در زمینه محیط نهادی منابع مشاع از نظریه پردازان پیشروست و برای بررسی ترتیبات نهادی از نظریه داگلاس نورث که مطالعه تاریخی در باره نظم های اجتماعی جوامع انجام داده ، بهره گرفته شده است.

ب) الینور اُستروم : چارچوب تحلیل و توسعه نهادی^۱

او محیط نهادی را با عنوان محیط کنش معرفی می کند که هر محیط کنش متشکل از واحد های در هم تنیده^۲ جز به کل به نام «هُلُن»^۲ است. اصلی ترین سطح تحلیل صحنه کنش است که دارای دو هُلُن است: بازیگران و موقعیت هایی که بازیگران اشغال می کنند. صحنه کنش خود متأثر از دو هُلُن دیگر است که بیرون از صحنه کنش قرار دارد. این چارچوب به روشنی در شکل ۱ نمایش داده شده است .

شکل ۱. چارچوب تحلیل نهادی



منبع: استروم، ۲۰۰۵: ۴۹

• بازیگران و موقعیت ها :

۱. Institutional Analysis and Development framework (IAD)

۲. استروم، واحد های در هم تنیده و تو در تو که داری جز- کل و زیر بخش هستند را هُلُن (Holon) نامیده است که آن را می توان به هر زیر بخشی از یک سیستم اطلاق کرد که هم دارای سلسله مراتب و رفتار قاعده مند و پایدار ساختاری و هم خود به صورت مستقل دارای مشخصات رفتاری است. متاسفانه تک واژه مناسبی برای برگرداندن آن به فارسی موجود نیست و به ناچار از فارسی نوشت عبارت هُلُن استفاده شده است.

هرگاه دو یا چند نفر با مجموعه ایی از کنش‌های بالقوه^۱ مواجه باشند که به صورت مشترک پیامدها و نتایجی را تولید نمایند می‌توان گفت که این افراد، درون یک محیط کنش قرار دارند. بازیگران یک محیط کنش موقعیت‌هایی را اشغال می‌کنند و پیش‌رویشان کنش‌های بالقوه‌ای وجود دارد که با اتخاذ آنها می‌توانند به پیامد مشخصی دست پیدا کنند. در یک جامعه بسته افراد تنها با توجه به باورها و فرصت‌ها و محدودیت‌های آن موقعیت دست به انتخاب می‌زنند اما در یک جامعه باز، افراد قادر هستند بر ساختار محیط کنشی که درون آن هستند به وسیله تغییر پیکربندی قواعد موثر، بر ساختار این موقعیت‌ها و محیط کنش تأثیر بگذارند.

• متغیرهای برون‌زا:

۱. قواعد

قواعد در تحلیل نهادها نقش اساسی دارد و برای درک بهتر فرایند نظام تدبیر امور (حکمرانی)، دانستن منشأ قواعد مهم است. در یک نظام حکمرانی باز و دمکراتیک منابع زیادی برای قواعد وجود دارد تا افراد بتوانند از آن استفاده کنند^۲ و این دسترسی به منابع مختلف قواعد در نظام‌های بسته وجود ندارد. قواعد، درون مجموعه قواعد دیگر پیچیده شده‌اند بنابراین برای تغییر قوانین باید به لایه‌های عمیق‌تر قواعد نیز توجه داشت. درجه اهمیت قواعد بر اساس اثر مستقیم شان بر روی اجزاء یک محیط کنش طبقه‌بندی می‌شوند.

۲. شرایط بیوفیزیکی و مادی

۱. potential actions

۲. استروم منابع زیاد برای قواعد را در جوامع دمکراتیک با مثالی توضیح می‌دهد: اگر فعالیتی که افراد به آن اشتغال دارند قانونی باشد، سازماندهی یا شکل دهی قواعد توسط خود افراد غیرقانونی یا نامناسب تصور نمی‌شود. علاوه بر وضع قوانین و مقررات توسط دولت مرکزی و رسمی، این ظرفیت وجود دارد که قوانین به وسیله دولتهای منطقه ای یا محلی تصویب شوند. در درون بنگاههای خصوصی و انجمنهای مردمی افراد مجازند که قواعد متعددی را اتخاذ کنند.

اشاره به محیطی که صحنه کنش در آن واقع شده است دارد. به عبارتی چه کنشهایی از نظر فیزیکی ممکن است، چه پیامدهایی می‌توانند حاصل شود، کنشها چگونه به پیامدها پیوند می‌خورد و اینکه محتوای مجموعه^۳ اطلاعاتی بازیگران چیست.

۳. شرایط جامعه

عبارتند از ارزشهای پذیرفته شده به صورت عمومی در جامعه، فرهنگ، اندازه نابرابری های کالاهای عمومی در آن جامعه، اندازه همگنی ترجیحات در آن جامعه و غیره می‌باشد.

۴. پیامدها

به دو دسته تقسیم می‌شود: پیامدهای بالقوه و پیامدها موجود

۵. تعاملات

بررسی صحنه‌های کنش مرتبط با یکدیگر است. عمده واقعیت های اجتماعی از صحنه-های کنش متعددی است که به صورت ترتیبی یا هم زمان با یکدیگر مرتبط هستند (استروم: ۲۰۰۵: ۵۵).

ج) داگلاس نورث: نظم های اجتماعی

داگلاس نورث^۱ و همکارانش با ارائه نظم های اجتماعی^۲ در پاسخ به چرایی ماندگاری نهادهای ناکارآمد و بیان مراحل گذار می‌پردازد. آنان نظم اجتماعی را دارای سه رکن خشونت^۳، نهادها و سازمان‌ها می‌دانند. تمام جوامع با مسئله خشونت مواجهند و توجه بیشترشان بر روی خشونت‌های سازمان‌یافته یعنی استفاده از خشونت از سوی گروه‌های حاکم، معطوف است. این خشونت سازمان‌یافته نقش محوری در نظم های اجتماعی دارد. چنانچه جوامع بخواهند به سوی گروه های بزرگ‌تر و بازتر حرکت کنند آنگاه باید شکلی از نهادهای اجتماعی به‌وجود آید تا خشونت را کنترل کند.

۱. Douglass C. North

۲. Social Orders

۳. خشونت در تعریف نورث دو گونه است که هر کدام دارای دو بعدند اعمال خشونت و تهدید به خشونت. گونه اول در قالب برخورد فیزیکی یا از طریق تهدیدات قهری برخورد فیزیکی اعمال می‌شود که هم اقدام خشن و هم تهدید قهری از عناصر خشونتند. گونه دوم، خشونت سازمان یافته است یعنی استفاده از خشونت یا تهدید به خشونت از سوی گروه‌های خاص یا ائتلاف مسلط است. (نورث و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۳)

نورث و همکارانش دو نوع نظم اجتماعی بعد از جامعه اولیه یا خوراک جو معرفی می‌کنند. حکومت طبیعی^۱ یا نظم دسترسی محدود و نظم دسترسی باز. در هر دو نظم یادشده عناصر مشترک خشونت، رقابت، نهاد و سازمان وجود دارد اما آنچه سبب تفاوت این دو نظم اجتماعی می‌شود، طریقه ایجاد، به کارگیری و نحوه کنترل این عناصر است (نورث و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۳) که ریشه در نوع ویژگی اجتماعی افراد جامعه دارد.

در حکومت طبیعی بیشتر روابط حالت شخصی دارند. گرایش بر این است که پایگاه و سلسله مراتب برحسب وجهه اجتماعی تعریف شود که برای هر فردی یگانه است حتی اگر این وجهه‌ها مشابهت‌هایی درون طبقات گسترده تر اجتماعی داشته باشند به عنوان مثال طبقه اشراف. به همین دلیل گروه‌های فرادست^۲ و ائتلاف مسلط^۳ (گروهی از فرادستان که حاکمیت را بر عهده گرفته‌اند) در این جوامع شکل می‌گیرند و بر روی منابع رانت کنترل دارند. فرادستان قدرتمند با هر دو بعد هویت شخصی و هویت سازمانی شان شناخته می‌شوند. منافعی که انسجام حکومت طبیعی را حفظ می‌کند همانا رابطه تنگاتنگ هویت شخصی رهبر سازمان، رهبری سازمان و قدرت سازمان است. (نورث و همکاران، ۲۰۰۹: ۳۴).

در این حکومت، ائتلاف مسلط با وضع محدودیت بر دسترسی به منابع با ارزش (زمین، کار، سرمایه و منابع طبیعی) یا کنترل فعالیت‌های ارزشمندی چون تجارت، آموزش به نفع گروه‌های فرادست، خشونت در برابر غیرفرادستانی‌ها را کنترل می‌کند. رانت به وجود آمده از طریق محدود کردن دسترسی عامل اصلی وحدت و انسجام ائتلاف است.

نورث و همکارانش حکومت‌های طبیعی را به سه گونه^۴ شکنده^۴، پایه^۵ و بالغ^۶ تقسیم می‌کنند. البته اشاره می‌کنند که هیچ مرز دقیقی بین این سه گونه وجود ندارد. حکومت‌های طبیعی بیشتر از نظر ساختار حکومتی، پیشرفتگی و کارآمدگی سازمان‌هایی که توان پشتیبانی دارند با هم متفاوت هستند. مهمترین سازمان در این حکومت، خود حکومت یا به طور دقیق‌تر شبکه روابط درون ائتلاف مسلط است و سازمان خصوصی نیرومند ندارند. نظم

۱. Natural State

۲. Elites

۳. Dominant coalition

۴. Fragile

۵. Basic

۶. Mature

اجتماعی حاکم بر ایران در دوره مورد بررسی این پژوهش (تقریباً از انقلاب مشروطه تا ابتدای قرن ۱۵ خورشیدی) در میان حکومت طبیعی پایه و شکننده متغیر بوده است.^۱

در حکومت طبیعی شکننده، حکومت در هنگام مواجهه با خشونت داخلی و خارجی به ندرت از عهده بقای خود برمی آید، به سرعت تغییر می کنند و به هویت فردی و اعضای ائتلاف وابسته هستند. هر تغییر ناگهانی می تواند ائتلاف را به هم بزند و منجر به اعمال خشونت و ایجاد یک ائتلاف جدید بشود. حکومت طبیعی پایه دارای ساختار سازمانی با ثبات تر و با دوام تری است. نهادهای این گونه از حکومت غالباً از جنس نهادهای حقوق عمومی هستند، نهادهایی که وجوه ظاهری حکومت، روابط درونی آن و روابط اعضای ائتلاف مسلط را ساختارمند می کنند.

ساختارهای نهادی بادوام برای حکومت و توانایی پشتیبانی سازمانهای فرادست که بیرون از چارچوب اصلی حکومت هستند از ویژگیهای حکومت طبیعی بالغ به شمار می آید که هر دو ویژگی سبب تمایز این گونه از حکومت طبیعی پایه است. نکته قابل توجه این است که جوامع می توانند در طول زمان میان حکومت طبیعی پایه و بالغ مرتب پیشرفت و پسرفت داشته باشند و این رمز ماندگاری جوامع در نظم اجتماعی دسترسی محدود است.

نظم های دسترسی باز در اواخر قرن نوزدهم میلادی پدیدار شدند و مبتنی بر دسترسی برابر به بازار و نهادهای حکومتی شامل دادگاهها برای شهروندان می باشد. دومین ویژگی این نظم اجتماعی در بر گرفتن طیف گسترده ای از سازمانهای مستقل از حکومت است. در این جوامع تنها آن نوع دولت وجود دارد که می تواند خدمات و منافع را به شکل نظام مند به شهروندان و سازمانها بر مبنای غیرشخصی ارائه کند یعنی بدون توجه به جایگاه اجتماعی شهروندان یا هویت (شخصیت حقوقی) و ارتباط سیاسی مدیران یک سازمان و این سومین ویژگی این نوع نظم اجتماعی است. چهارمین ویژگی آن است که منافع اقتصادی در این نوع نظم نمی تواند به آسانی دستکاری شود زیرا کالاهای عمومی برای همه شهروندان فراهم می شود و برای این نوع حکومت دشوار است مخالفان را با خود همراه کند.

انتقال از نظم دسترسی محدود به نظم دسترسی باز به شکل جهشی رخ نمی دهد. مراحل گذار شامل دو مرحله است. ابتدا، روابط درون ائتلاف مسلط از حالت شخصی به غیر شخصی

۱. برای مطالعه سیر نظم های اجتماعی حاکم بر ایران در این دوران مراجعه کنید به مومنی پور (۱۳۹۵)

تغییر می‌یابد سپس این ساختار روابط غیر شخصی به کل جامعه بزرگتر بیرونی گسترش می‌یابد. برای گذار باید فرادستان خود به این نتیجه برسند که انتقال قدرت به فرودستان، قدرت کمتری از آنان نسبت به انقلاب و فروپاشی خواهد کاست. چون فرادستان گروه یکپارچه نیستند و میان خود رقابت می‌کنند پس نمی‌توانند به صورت حساب شده عمل کنند و قدرت را میان خود تقسیم کنند. بنابراین می‌توان شرایطی را فراهم آورد که فرادستان به این سمت حرکت کنند که روابط غیر شخصی وضعیت آنان را بهتر خواهد کرد بدون اینکه ثبات ائتلاف به هم بخورد. این اولین گام است. برای هر تبیینی از گذار باید جامعه سه ویژگی زیر را داشته باشد:

- ۱- نهادها، سازمان‌ها و رفتار افراد در آغاز فرایند گذار باید با منطق حکومت طبیعی سازگار باشد.
- ۲- تغییر نهادها، سازمان‌ها و رفتارها طی فرایند گذار باید با منافع اعضای ائتلاف مسلط سازگار باشد.
- ۳- گذار باید از طریق دنباله‌ای از تغییرات تقویت کننده در نهادها، سازمان‌ها و رفتار فردی به گونه‌ای در گذر زمان رخ دهد که افزایش تدریجی دسترسی پایدار بماند.

در جمع بندی این نظریات همانطور که پیشتر بیان شد برای اصلاح نظام تدبیر امور بخش بالادستی نفت نیازمند بررسی هم زمان محیط نهادی و ترتیبات نهادی هستیم و این مهم نوآوری ویلیامسون در تحلیل نهادگرایی جدید است که در این پژوهش به عنوان روش پژوهش انتخاب شده است. برای بررسی هم زمان آنها از دو نظریه پرداز دیگر کمک گرفته شده و محیط نهادی توسط نظریه استروم و ترتیبات نهادی توسط نظریه نورث و استروم بررسی شده است که چارچوب نظری پژوهش را ساخته اند.

۲-۲. پیشینه پژوهش

موضوع این پژوهش موارد مشابه خارجی و داخلی ندارد بنابراین در این قسمت به مطالعاتی اشاره می‌شود که یا از یکی از نظریات نهادگرایی در حوزه اقتصاد سیاسی نفت استفاده کرده اند که چارچوب نظری این پژوهش را شکل داده است و یا به موضوع انتقال فناوری

در بخش بالادستی نفت و یا بین المللی شدن شرکت های ملی نفت پرداخته اند. با این حال نیز مطالعات اندکی هستند که بتوان در این قسمت مطرح کرد.

مومنی پور (۱۳۹۵) در کتاب «نفت علت یا معلول» حقوق مالکیت را یک نهاد رسمی معرفی می کند که حکومت ها آن را تعریف، تضمین و اجرا می کنند. کارامدی این نهاد، بستگی به میزان هزینه مبادله دارد و چون این نهاد توسط حکومت شکل می گیرد هزینه مبادله بالایی دارد. با این توضیح او به دو پرسش اصلی پاسخ می دهد که با توجه به ساختار دسترسی به حقوق مالکیت در ایران نوع مالکیت نفت تا چه اندازه می تواند در کارآمدی یا ناکارآمدی مدیریت درآمدهای آن نقش موثری ایفا نماید؟ و شروط پایه برای گذار از وضعیت موجود و اصلاح اثر بخش تخصیص عواید حاصل از نفت با عنایت به نوع مالکیت نفت چه خواهد بود؟ برای پاسخگویی به این دو سؤال از نظم های اجتماعی نورث و همکارانش (۲۰۰۹) استفاده کرده و ضمن بررسی میان رشته ای (حقوقی - اقتصادی) نظم ها در ایران به این نتایج دست می یابد: نظم اجتماعی حاکم در ایران یک نظم دسترسی محدود بوده است و گشایش قابل ملاحظه ای در دسترسی به سیستم سیاسی و سیستم اقتصادی و همچنین نهاد حقوق مالکیت کار آمد به لحاظ اجتماعی در آن رخ نداده است. زیرا گروه های فرادست با اوصافی که بیان شد به این نهاد قانون پایند نیستند. ایجاد چنین تغییری، یعنی تعریف حقوق و تکالیف برابر برای همه گروه های فرادست عضو ائتلاف مسلط و التزام ایشان به این حقوق و تکالیف در برابر یکدیگر، بدون قائل شدن هیچ استثنایی باید از سوی فرادستانی از ائتلاف مسلط که از قدرت چانه زنی برخوردار هستند مانند مقام رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام و امثال آنان صورت گیرد.

نوروزی و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه ای با عنوان «بررسی موانع انتقال و توسعه فناوری در بخش بالادستی نفت: رویکرد تحلیلی» با نگاهی آسیب شناسانه و رویکردی تحلیلی و درون سیستمی به بررسی موانع انتقال و توسعه فناوری در بخش بالادستی صنعت نفت پرداخته است و به این نتایج دست یافته اند که کمبود ظرفیت جذب فناوری در این صنعت در کشور، قفل شدگی نهادی، شکست شبکه های نوآوری، شکستهای سیستمی، عدم توجه به سطوح و اجزای فناوری، عدم توجه به نقش بازیگران مختلف در حوزه توسعه فناوریهای این صنعت و عدم توجه به نقش واسطه های نوآوری از جمله نقاط تمرکز این مقاله در تبیین موانع عدم موفقیت کشور در امر انتقال و توسعه فناوری در بخش بالادستی صنعت نفت بوده است.

راهکار پیشنهادی ایشان این است که توسعه فناوری در صنعت نفت نیازمند اصلاحات ساختاری و نهادی است و «قرارداد نفتی به تنهایی نمیتواند تضمین کننده انتقال و توسعه فناوری در این صنعت، باشد هر چند به عنوان یک جزء سامان دهنده و ابزار کنترلی و نظارتی مطرح است.

مطالعه (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان «تحول اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت منطقه منا: یافتن نقش نظام تدبیر» از یک سو اثر رانت نفت را بر توسعه اقتصادی بررسی می کند و از سوی دیگر نقش نظام تدبیر را در جلوگیری از پیامدهای منفی درآمد نفت و تبدیل رانت نفت به ابزاری برای تحول اقتصادی در ۱۱ کشور منطقه منا شامل ایران، آزمون می کند. از روش حداقل مربعات معمولی^۱ و تخمین زندهای گشتاورهای تعمیم یافته برای بازه زمانی ۲۰۱۷-۱۹۹۶ استفاده می کند. این تحقیق ضعف نهادی را علت اصلی پیامدهای منفی نفرین منابع و توسعه ناپایدار می داند. نتیجه آزمون نشان داده است که رشد اقتصادی، به میزان زیادی و در جهت مثبت از رانت نفت تاثیر می پذیرد. همچنین تغییر در نظام تدبیر تنها چاره کلیدی برای تحول اقتصادی است. تدوین یک نظام تدبیر مناسب این توانایی را برای کشورهای این منطقه ایجاد می کند تا از نفرین منابع رهایی پیدا کنند و به توسعه اقتصادی پایدار دست پیدا کنند.

لانگ و سیرا^۲ (۲۰۱۳). در مطالعه با عنوان «آروزهای نفت خام: بین المللی شدن شرکت های ملی نفت» به این سؤال پاسخ داده است که چرا برخی از شرکت های ملی نفت در کشورهای صادرکننده نفت در امر بین المللی شدن موفق بوده اند. ایشان در میان شرکت ملی نفت، آن شرکت هایی را انتخاب کرده اند که اطلاعات مکفی در دسترس داشته اند. ایشان با ارائه پنج شاخص: معیار جغرافیایی، دارایی های خارجی، توانمندی در تولید، سودآوری و دامنه انجام عملیات نفتی به امتیاز دهی (۰-۵/۰-۱) به کشورهای منتخب پرداختند. در نهایت به این نتیجه رسیدند که تعامل شرکت های بین المللی نفتی در زمان شکل گیری شرکت ملی نفت آن کشور، همگرایی دولت با هدف بین المللی شدن شرکت ملی نفت و تغییرات نهادی متناسب با آن از عوامل موثر در موفقیت شرکت های ملی نفت در بین المللی شدن است.

۱. Ordinary Least Squares (OLS)

۲. Loung and Sierra

با توجه به اینکه راه حل جهان شمولی برای اصلاح نهادی و ساختن نهادهای خوب وجود ندارد. در این پژوهش با استفاده از ترکیبی از رویکرد نهادگرایی جدید، محیط نهادی و ترتیبات نهادی بخش بالادستی نفت ایران با هدف اصلاح نظام تدبیر امور این بخش برای ساختن نهادی فراگیر بررسی کرده است و همین هم زمانی بررسی محیط نهادی و ترتیبات نهادی و هدف بین المللی شدن شرکت ملی نفت ایران، این پژوهش را از دیگر پژوهش ها متمایز می کند.

۳. بین المللی شدن و انتقال فناوری

پیش از آنکه به بین المللی شدن شرکت ملی نفت ایران پرداخته شود باید ابتدا منظورمان از بین المللی شدن و مفهوم انتقال فناوری را بیان کنیم. زیرا از این مفاهیم تعریف های مختلفی صورت گرفته است که به نظر تناقضاتی در خود دارند و تکیه بر تعاریف ناکامل از مفاهیم، سیاست گذاری و تصمیم سازی های اشتباه را به همراه می آورد.

۳-۱. بین المللی شدن شرکت ملی نفت

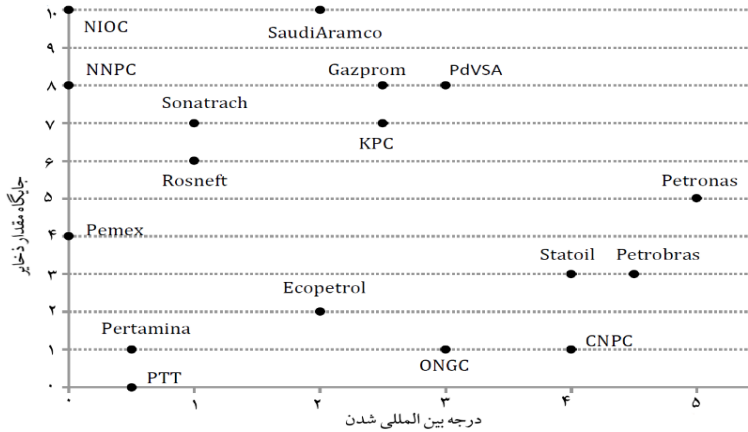
بین المللی شدن شرکت های ملی نفت تقریباً از اواخر دهه ۱۹۹۰ آغاز شد. البته این بین المللی شدن با انگیزه ها و درجه موفقیت گوناگون به وقوع پیوسته است. شرکت های بین المللی نفتی یا متعلق به کشوری هستند که صاحب ذخایر نفتی است و یا به دنبال اکتشاف و توسعه ذخایر نفتی است.^۱ همین امر سبب گوناگون شدن انگیزه ها می شود، گروه اول به دنبال امنیت تقاضای نفت هستند و گروه دوم به دنبال امنیت عرضه نفت.

منظور ما از بین المللی شدن توسعه و گسترش دارایی ها و انجام عملیات نفتی شامل اکتشاف، تولید، پالایش، بازاریابی و توزیع در چند کشور و یا منطقه در کل دنیا است. البته در این پژوهش ما بر روی بخش بالادستی نفت متمرکز هستیم و بنابراین بخش پالایش (پایین دستی)، بازاریابی و توزیع را شامل نمی شود.

برای بین المللی شدن باید استراتژی شفاف و دقیقی از هدف بین المللی شدن وجود داشته باشد. واردکننده خالص یا صادرکننده خالص بودن کشور متبوع شرکت ملی نفت بر روی هدف از بین المللی شدن اثر گذار است.

۱. ذکر این نکته ضروری است که این دسته بندی مطلق نیست و کشوری نظیر نروژ هم وجود دارد که شرکت ملی نفت دارد و هم دارنده ذخایر و هم به دنبال اکتشاف و توسعه ذخایر نفتی است.

نمودار ۱. رتبه بندی شرکت های ملی نفت بر اساس درجه بین المللی شدن



منبع: لانگ و سیرا، ۲۰۱۳: ۷

فارغ از هدفی که شرکت های ملی برای بین المللی شدن اتخاذ می کنند میزان موفقیت این شرکت ها در بین المللی شدن به سه معیار همگرایی و حمایت دولت، نحوه شکل گیری شرکت ملی نفت و اصلاحات نهادی و نظام تدبیر امور بستگی دارد و درجات مختلفی از بین المللی شدن را محقق می کند (لانگ و سیرا، ۲۰۱۳). نقش این سه معیار را در موفقیت بین المللی شدن برای شرکت هایی که اطلاعات کافی از آنها در دسترس بوده در جدول ۱ نمایش داده شده است. معیار سازگار بودن شرکت های بین المللی نفتی با شکل گیری شرکت ملی نفت خود را در انتقال کامل یا عدم انتقال فناوری از آنها به شرکت ملی نفت نشان داده، همچنین اگر همگرایی دولت با این هدف در دهه ۱۹۹۰ و قبل از آن اتفاق افتاده باشد آنرا زود هنگام و اگر بعد از سال ۲۰۰۰ میلادی باشد همگرایی با تاخیر دسته بندی شده است. این جدول حاوی نتایج قابل توجهی است. که ما را در بررسی هدف این پژوهش و نتیجه گیری یاری می رساند.

جدول ۱. نتایج بررسی معیار انتقال فناوری، همگرایی دولت، همراهی اصلاحات نهادی

DIS	همراهی و توالی اصلاحات نهادی	زمان همگرایی دولت	نحوه شکل گیری*	کشور	NOC
پایین	نداشته	دیر	توافقی (عدم انتقال کامل فناوری)	نیجریه	NNPC
پایین	نداشته	دیر	توافقی (عدم انتقال کامل فناوری)	تایلند	PTT
متوسط	داشته	دیر	توافقی (عدم انتقال کامل فناوری)	کلمبیا	Ecopetrol
متوسط	-	واگرا	توافقی (انتقال کامل فناوری)	روسیه	Gazprom
متوسط	نداشته	زود	توافقی (عدم انتقال کامل فناوری)	کویت	KPC
متوسط	نداشته	زود	توافقی (عدم انتقال کامل فناوری)	هند	ONGC
متوسط	-	واگرا	توافقی (انتقال کامل فناوری)	عربستان	SaudiAramco
بالا	-	همگرا	توافقی (انتقال کامل فناوری)	چین	CNPC
بالا	-	همگرا	توافقی	مالزی	Petronas

* عدم انتقال کامل به این معنی است که انتقال فناوری یا اندک بوده یا اصلا صورت نگرفته است

منبع: لانگ وسیرا، ۲۰۱۳: ۳۴

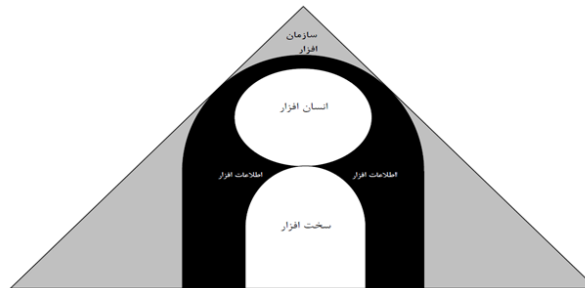
نتایج این جدول:

- همراهی و موافقت شرکت بین المللی نفتی در نحوه شکل گیری شرکت ملی نفت نقش پررنگی در درجه موفقیت بین المللی شدن دارد حتی اگر با انتقال کامل فناوری همراه نباشد. (کویت و هند)
- اصلاحات نهادی می تواند همگرایی دیر هنگام دولت را تا حدی جبران کند (کلمبیا)
- واگرایی دولت با این هدف درجه موفقیت را علی رغم در دسترس بودن فناوری، کاهش می دهد. (روسیه)
- همگرایی دولت و انتقال فناوری از سوی شرکت های بین المللی نفتی موفقیت شرکت ملی نفت را محقق می کند. (مالزی و چین)

۲-۳. انتقال فناوری

- فناوری عبارت است از تمام دانش، فرایندها، ابزارها و سیستم‌هایی که در جهت خلق و ساخت کالا و ارائه خدمات بکار گرفته می‌شود که از چهار عنصر فن افزار^۲ (سخت افزار)، انسان افزار^۳، اطلاعات افزار^۴ و سازمان افزار^۵ تشکیل شده است. (عابدی، ۱۳۷۶: ۱۱۷-۱۱۳).
- فن افزار: در برگیرنده مجموعه ای از ابزارها، ماشین آلات، تجهیزات، تأسیسات و تسهیلات فیزیکی است. سرعت رشد و پیشرفت فن افزار از دیگر عناصر فناوری بیشتر است
 - انسان افزار: آن بخش از فناوری که در انسان‌ها نمایان می‌شود و در برگیرنده خرد، نبوغ، تجارت، مهارت‌ها، ابتکار و انگیزه‌های انسانی است. کشورهای در حال توسعه که بیشتر واردکننده فناوری هستند به انسان افزاری نیاز دارند که به آنها در انتخاب صحیح، انطباق، اصلاح، جذب و توسعه فناوری وارداتی و نیز توسعه فناوری بومی، کمک کند.
 - اطلاعات افزار: اسناد فناوری است که به وسیله نیروی انسانی و برای به کارگیری فن افزار ایجاد می‌شود. اطلاعات افزار در برگیرنده مجموعه اطلاعاتی به اشکال مختلف مانند اسناد، مدارک، داده‌ها، آمارها، نقشه‌ها، جزوه‌ها، کتاب‌ها و نشریات است. جنبه محرمانه بودن آنها نسبت به فن افزار بیشتر است
 - سازمان افزار: در برگیرنده مجموعه نظام‌های سازماندهی، مدیریتی، شبکه سازی، بازاریابی مرتبط با انتقال، جذب، بهره‌برداری و توسعه فناوری است. سازمان افزار، نقش کلیدی هماهنگ‌کننده و کنترل‌کننده^۵ سه عنصر دیگر را بر عهده دارد.

شکل ۲. ارتباط افزارهای فناوری



منبع: (عزیزی، ۱۳۸۶: ۵۰)

۱. Technology
۲. Techno- ware
۳. Human- ware
۴. Info - ware
۵. Orga- ware

۱-۲-۳. انتقال فناوری در بخش بالادستی نفت

پس از بیان تعاریف و مفاهیم پایه مربوط به فناوری و انتقال آن، در این قسمت به انتقال فناوری و چالشهای آن در بخش بالادستی نفت (اکتشاف، حفاری، توسعه، استخراج، پالایش و بهره برداری از میادین نفتی) پرداخته شده است. انتقال فناوری در بخش بالادستی نفت، خود یک هدف نیست بلکه تنها وسیله‌ای است برای دست یابی به اهدافی مشخص. بنابراین ضروری است اولویت‌ها و تنگناها در بخش بالادستی نفت با توجه به هدف مورد نظر، شناخته شود تا بتوان الگوی مناسب انتقال و توسعه فناوری را طراحی کرد.

در گذشته، شرکت‌های بین‌المللی نفتی تمام توانمندی فناوریانه صنعت نفت یعنی خلق فناوری (تحقیق و توسعه، طراحی و مهندسی) و استفاده از فناوری (ساخت و تولید، تعمیر و نگهداری، بهره‌برداری) را در انحصار داشتند و قدرت چانه زنی بالا در انجام عملیات نفتی و انتقال فناوری برای آنها به ارمغان آورده بود.

به موازات تخصصی‌تر شدن صنعت نفت در جهان، بازیگران جدیدی مانند پیمانکاران نفتی^۱، شرکت‌های سازنده تجهیزات فنی و قطعات، شرکت‌های مهندسی و ساخت، هریک با وظایف معین در بخش بالادستی ظاهر شدند. پیمانکاران نفتی وظایف تعریف شده‌ای را در زمین شناسی نفت، لرزه نگاری، حفاری، چاه آزمایی، توسعه میادین نفتی، اجرای برنامه‌های ازدیاد برداشت و مانند آن را بر عهده داشتند. وظیفه اصلی شرکت‌های سازنده تجهیزات، تولید ابزارها و تجهیزات فنی است. شرکت‌های طراحی و ساخت، وظیفه طراحی، ساخت و نصب واحدهای مورد نیاز در کلیه عملیات نفتی را بر عهده دارند.

از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی رویکرد شرکت‌های بین‌المللی نفتی از راهبرد ساخت یعنی سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه برای توسعه فناوری‌های نفتی به راهبرد خرید فناوری‌های پیشرفته تغییر پیدا کرد. (درخشان و تکلیف، ۱۳۹۴: ۵۱-۵۰) برای کشورهای در حال توسعه نفتی مانند ایران، شناخت این تغییر جایگاه و نقش شرکت‌های بین‌المللی نفتی در انتقال و توسعه فناوری دارای اهمیت زیادی است. زیرا این مهم خود را در نوع و مفاد قرارداد های نفتی نشان خواهد داد.

۱. Oil Contractors

۳-۳. ابزارهای فناوری و بین‌المللی شدن شرکت ملی نفت ایران

با توجه مطالب بندهای قبل، این طور به نظر می‌رسد که امروزه برای حرکت به سمت بین‌المللی شدن یعنی توانمند شدن برای انجام عملیات نفتی در بخش بالادستی نفت در خارج از مرزهای کشور، وجوه سازمان افزار و انسان افزار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. داشتن فن افزارهای پیشرفته به تنهایی نمی‌تواند کمکی برای انجام عملیات نفتی در کشور و برون از مرزهای کشور باشد و براینکه این چهار افزار با سهم بزرگتری برای انسان افزار و سازمان افزار بهره‌وری را از فن افزار و اطلاعات افزار افزایش خواهد داد.^۱

برای مشخص شدن جایگاه شرکت ملی نفت ایران در انجام عملیات نفتی بالادستی، ابتدا اشاره کوتاهی به روند عملیات نفتی در میدان‌های نفتی شده، سپس توانمندی‌ها و ناتوانی‌های شرکت ملی نفت ایران در انجام این عملیات در جدول ۱ نمایش داده شده است.

عملیات اکتشاف یا تکمیل عملیات اکتشافی به کمک ایجاد لرزه‌هایی در زمین انجام می‌شود. این لرزه‌نگاری‌ها به شیوه‌های مختلفی با توجه به عمق زمین و خشکی یا دریایی بودن زمین مورد بررسی صورت می‌گیرد. انجام این مرحله نیازمند فن افزار، اطلاعات افزار و انسان افزار است. قبل از انقلاب عملیات اکتشاف به عهده کنسرسیوم بوده و تا چندین سال پس از انقلاب، داده‌های لرزه‌نگاری جهت تحلیل و تفسیر به خارج از ایران فرستاده می‌شده است.

مرحله بعد، حفاری اکتشافی است که توسط چاههای اکتشافی و توصیفی وسعت میدان و ویژگی‌های مخزن مشخص می‌شود. عملیات حفاری در ایران پس از تأسیس شرکت ملی حفاری^۲، توسط کارشناسان ایرانی انجام می‌شود. شرکت حفاری شمال تنها شرکت خصوصی بین‌المللی حفاری ایران^۳ است که طبق آمار در سال ۱۳۸۷ فعالیت برون مرزی داشته است ولی در سالهای اخیر به ویژه پس از تحریم‌ها فعالیت برون مرزی نداشته است. در این مرحله نیز فن افزار، اطلاعات افزار و انسان افزار نقش پررنگ تری دارد.

۱. این بند برگرفته از مصاحبه نگارنده با آقای غلامحسین حسن تاش، عضو هیئت علمی موسسه مطالعات بین‌المللی

انرژی است.

۲. این شرکت توسط مرحوم دکتر علی محمد سعیدی در سال ۱۳۵۸ تأسیس شد. او درجه دکتری مهندسی نفت و ریاضیات کاربردی را از دانشگاه استنفورد در سال ۱۳۴۰ اخذ کرد. وی تا پایان عمر از مشاوران برجسته بین‌المللی نفت و گاز بود.

۳. ترازنامه هیدروکربوری، ۱۳۹۴: ۵۳-۵۲

مرحله بعد تحلیل اقتصادی مخزن است. این تحلیل با توجه به ویژگیهایی که از مخازن توسط مطالعات سنگ و سیال بدست می آید، قیمت نفت، آینده نگری از شرایط بازار جهانی و روند قیمت نفت صورت می گیرد. این مرحله انسان افزار و سازمان افزار نقش پررنگی دارد.

ساختن مدل شبیه سازی شده از مخزن برای بیشینه سازی سطح زیر منحنی تولید از مخزن، مرحله بعدی است و آغاز مرحله مدیریت مخزن است. تهیه «نقشه جامع توسعه میدان»^۱، برنامه‌های ازدیاد برداشت، فشار افزایی، تولید صیانتی از مخزن همگی شامل مدیریت مخزن است. مدیریت مخزن یکی از ارکان مهم در تولید میادین نفت و گاز پس از مرحله اکتشاف است که اعمال آن، بازیافت بهینه، افزایش طول عمر و کاهش هزینه های تولید از مخازن را در پی خواهد داشت (چکنی، ۱۳۹۳). مدیریت مخزن از تحلیل اقتصادی مخزن آغاز و تا پایان عمر مخزن ادامه پیدا می کند. در مدیریت مخزن سهم سازمان افزار بسیار بالاست زیرا سازمان افزار، فن افزارهای مورد نیاز این بخش را معین و خریداری می کند.

تهیه «نقشه جامع تولید میدان» یکی از مهمترین مراحل مدیریت مخزن است که خود وابسته به مرحله اکتشافی دقیق و با کیفیت قابل قبول است. آنچه در میان شرکت های بین المللی نفتی در انجام عملیات نفتی در بخش بالادستی نفت رقابت ایجاد می کند همین نقشه جامع تولید میدان است. بنابراین شرکت ملی نفت ایران برای بین المللی شدن ابتدا نیازمند فن افزار، اطلاعات افزار و انسان افزار لازم برای انجام عملیات اکتشافی دقیق است و سپس نیازمند سازمان افزار و انسان افزار قدرتمند و آگاه برای ارائه نقشه جامع تولید میدان به کشورهای خارجی است.^۲

خلاصه مراحل بیان شده در جدول ۲ نمایش داده شده است. در این جدول کل عملیات نفتی برای درک جایگاه بهتر افزارها، به دو بخش اکتشاف و مدیریت مخزن تقسیم شده است. در جدول بخشهایی وجود دارند که کارشناسان ایرانی می توانند تا حدی آن را در داخل کشور انجام دهند ولی چون در سطح داخلی به ویژه در مبحث سازمان افزار به قدر کافی توانمند نیستند^۳ و سطح بین المللی نیز توان رقابت ندارند، بنابراین آن مراحل نیز در

۱. Master Development Plan (MDP)

۲. برگرفته از مصاحبه نگارنده با آقای غلامحسین حسن تاش.

۳. این عدم توانایی خود را در قراردادهای منعقد با شرکت های بین المللی نفتی و شرکت های نفتی خارجی قبل و بعد از انقلاب نشان می دهد. بعد از پایان جنگ تا چارچوب قرارداد IPC، ۱۶ پروژه نفتی در چارچوب قرارداد بیع

دسته ناتوان قرار گرفته است. نکته دیگری آنکه این جدول، مربوط به بعد از انقلاب ۵۷ است زیرا انجام عملیات نفتی تا قبل از انقلاب به دست کنسرسیوم و قبل از ملی شدن نفت به دست شرکت نفت ایران - انگلیس بوده که عملاً ایران نقشی نداشته است.

جدول ۲. مراحل عملیات بالادستی نفت

توانمندی NIOC بعد از انقلاب	سهم بیشتر افزارهای فناوری	مرحله عملیات نفتی	
		اکتشاف	تولید
توانمند اما غیر قابل رقابت در سطح جهانی	فن افزار، اطلاعات افزار، انسان افزار	اکتشاف	
		تکمیل عملیات اکتشاف	
		تحلیل عملیات اکتشاف	
		حفاری اکتشافی	
ناتوان	سازمان افزار، انسان افزار (فن افزار با توجه به صلاح دید سازمان افزار خریداری می شود)	تحلیل اقتصادی مخزن	
		تهیه مدل شبیه سازی مخزن	
		تهیه MDP	
		بهره برداری بهینه از مخزن	
		به روز رسانی مداوم اطلاعات مخزن	
		فشارافزایی	
عملیات افزایش بازیافت			

منبع: یافته‌های تحقیق

۴. تصویری از صنعت بالادستی نفت ایران بر اساس روش‌شناسی پژوهش

۴-۱. مرور اسناد بالادستی صنعت نفت ایران در چارچوب قاعده نهادگرایی: تحلیل محیط کنش

در این قسمت به کمک نظریه نظم‌های اجتماعی نورث و اسناد بالادستی نفت ایران، دو سطح اول تحلیل ویلیامسون پوشش داده شده است. برای جلوگیری از پراکنده شدن مطالب از ذکر جزئیات اسناد بالادستی نفت خودداری شده است و تنها به نتیجه بررسی این اسناد با رویکرد انتقال فناوری و بین‌المللی شدن شرکت ملی نفت ایران بسنده شده است. همچنین

متقابل بسته شد و زمان تدوین چارچوب جدید قراردادها (IPC)، قرارداد نفتی در این چارچوب با شرکت‌های خارجی بسته شده است. با اهداف اکتشاف و توسعه میدان. این تعداد قرارداد برای انجام عملیات نفتی در کشور نشان دهنده عدم توانایی ما در انجام عملیات نفتی به تنهایی می‌باشد به ویژه آنکه امروزه برای انجام عملیات نفتی با وجود شرکت‌های پیمانکاری نفتی نیش از فناوری نیازمند مدیریت (سازمان افزار) توانمند هستیم تا بتوانیم عملیات نفتی موفق در داخل کشور انجام دهیم. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: <https://hassantash.blog.ir/>

ثمرده کردن نفت تحت نهادهای استثماری: ساخت نهاد فراگیر | ۲۷

با بررسی اسناد بالادستی نفت ایران هُلُن های نظریه اُستروم شناخته شده اند و در جداول ۶ و ۵ نمایش داده شده اند.

قراردادهای نفتی بخش بالادستی نفت ایران را به لحاظ قابل بررسی بودن ویژگیهای آن به دو دسته «محرمانه و غیر محرمانه می توان تقسیم کرد. قراردادهایی که بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ بسته شده، محرمانه اند. بنابراین مفاد آن قابل بررسی نیست گرچه به لحاظ چارچوب حقوقی قابل بررسی هستند ولی بررسی آن از موضوع این پژوهش خارج است. اسناد بررسی شده در جدول ۳، فهرست شده اند.

جدول ۳. اسناد بالادستی نفت ایران

پس از انقلاب ۱۳۵۷	پیش از انقلاب ۱۳۵۷	
	بعد از ملی شدن صنعت نفت	قبل از ملی شدن صنعت نفت
قانون شورای انقلاب	اساسنامه شرکت ملی نفت ایران ۱۳۳۱	امتیازنامه رویتر و امتیازنامهچه بانک شاهنشاهی ایران
لایحه قانون تأسیس وزارت نفت ۱۳۵۸	قرارداد کنسرسیوم	امتیاز قره داغ (ارسباران) روسیه
قانون نفت ۱۳۶۶	قانون نفت ۱۳۳۶ (اولین قانون نفت)	امتیازنامه داری
قانون نفت ۱۳۹۰	قانون نفت ۱۳۵۳	امتیازنامه شرکت نفت انگلیس و ایران
اصلاحیه ماده ۳ قانون نفت ۱۳۹۰	اساسنامه شرکت ملی نفت ۱۳۵۶	قانون اعطای امتیاز نفت قسمتی از شرق و شمال شرق به شرکت نفت آمریکا و ایران
اساسنامه شرکت ملی نفت ۱۳۹۵		قانون اجازه انعقاد قراردادهای اکتشاف و استخراج معادن دو ناحیه معین با شرکت هلندی الگمین اکسپلوراتی ماچاپای*

منبع: مجموعه ای از منابع^۱

– صنعت نفت ایران با مخالف شدید انگلستان ملی شد. صنعت نفت با این شرط ملی شد که کلیه عملیات نفتی بخش بالادستی نفت توسط شرکت نفت بی پی^۲ و دیگر اعضای کنسرسیوم انجام شود و تنها عملیات غیرنفتی نظیر بیمارستان، خدمات عمومی و ارائه

۱. – قوانین و اساسنامه ها: مرکز پژوهش های مجلس، قوانین و مقررات به آدرس اینترنتی

<https://rc.majlis.ir/fa/law>

– قرارداد کنسرسیوم: فاتح، ۱۳۳۵ و روحانی، ۱۳۵۳ – امتیازنامه ها: امور حقوقی، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۱. و فاتح، ۱۳۳۵

* Algemeene Exploratie Maatschappij

۲. British Petroleum (BP)

کارگران ساده و دانش آموخته های مدرسه فنی آبادان (تکنسین های نفتی) بر عهده شرکت ملی نفت ایران قرار گرفت. بنابراین علی رغم تصویب اساسنامه ای که نقش کامل حاکمیتی و تصدی گری صنعت نفت را به عهده شرکت ملی نفت ایران قراردادده بود، شرکت ملی نفت قادر به انجام عملیات نفتی نبود.

- پیش از ملی شدن نفت و در خلال سالهای ابتدایی ملی شدن نفت، عدم اشراف ایرانیان مذاکره کننده با شرکت های نفتی بین المللی به عملیات نفتی به ویژه بخش بالادستی نفت، سبب افزایش قدرت چانه زنی طرف مقابل یعنی شرکت های بین المللی شده است و با توجه به عدم تمایل آنها به تربیت نیروی انسانی متخصص و انتقال فناوری به ایران مانع تحقق این امر علی رغم مواد لحاظ شده در قراردادها و اساسنامه ۱۳۳۱ شده است.

- بلندمدت بودن قراردادهای منعقد شده در سالهای پیش از ملی شدن صنعت نفت و قرارداد کنسرسیوم با ویژگیهایی نابرابر طرفین مذاکره، سبب شد که امکان اصلاح و تغییر در روند قرارداد بدون پرداخت خسارت های زیاد برای طرف ایرانی مقدور نباشد و در طی سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ که افزایش قیمت نفت و نشانه های اشراف بیشتر متخصصان ایرانی به نفت و منافع ایران مشاهده می شود امکان تغییر در قرارداد کنسرسیوم را پیدا نکنند و مسئله انتقال فناوری و تربیت نیروی انسانی ایران بر مبنای قرارداد کنسرسیوم ادامه بیابد.

- تصمیم گیری و سیاست گذاری های بخش بالادستی نفت در زمان پیش از انقلاب زیر نظر مستقیم شاه ایران بوده است. در این تصمیم گیریها لابی های سیاسی کشورهای مطبوع شرکت های عضو کنسرسیوم نقش تاثیر گذاری داشته اند.

- با انقلاب ۱۳۵۷ ایران و رفتن شرکت های کنسرسیوم از ایران، انجام عملیات نفتی به عهده مهندسین ایرانی و شرکت ملی نفت ایران افتاد که در اثر فعالیت ۶۰ ساله شرکت های بین المللی نفتی در ایران، انجام این عملیات را تا حدی آموخته بودند. این امر سبب شد در دوره جنگ ایران - عراق و کمی بعد از پایان جنگ بتوانند به تولید نفت پردازند و تأسیسات نفتی را بازسازی کنند. سعیدی (مقاله اول، ۱۳۸۱)

- قانون نفت ۱۳۵۳ و اساسنامه ۱۳۵۶ شرکت ملی نفت ایران با انقلاب اسلامی و مصوبات شورای انقلاب مبنی بر تأسیس وزارت نفت و شرح وظایف آن مختل شد. اما در عمل تا چند سال بعد از پایان جنگ وزارت نفت نقشی نمادین داشته و شرکت ملی نفت

ایران بر اساس شرح وظایفش در اساسنامه و قانون نفت پیش از انقلاب در بخش بالادستی نفت فعالیت داشته است.

- در دولت هفتم و هشتم، وزارت نفت از نقش نمادین خود خارج شد و نبود اساسنامه جدید تا سال ۱۳۹۵ برای شرکت ملی نفت ایران سبب اختلاط وظایف این دو سازمان شد. زیرا هر دو بر طبق قانون، نقش حاکمیتی داشته اند. عملکرد وزارت نفت از این دوره به بعد، شرکت ملی نفت را به شرکتهای خدماتی بدل کرد که با اساسنامه این شرکت انطباق نداشته است.

- نهاد ناظر بر عملکرد وزارت نفت (هیئت عالی نظارت بر منابع نفتی) به دو علت مهم نقش تعیین کننده وزیر نفت در موجودیت و تصمیم گیری های این هیئت و نبود کارشناسان نفتی خبره در اعضای این هیئت، عملاً ناکارا بوده و صرفاً به بررسی امور مالی وزارت نفت با شرکت های تابعه پرداخته است.

- رویکرد قانونی ای در قوانین نفت تصویب شده بعد از انقلاب ایران مبنی بر توانمند شدن شرکت ملی نفت ایران در انجام عملیات نفتی برون مرزی و حرکت به سمت بین المللی شدن وجود ندارد و طبق بند های تصریح شده در این اسناد هدف، تولید بهینه و حداکثری جهت صادرات بیشتر معین شده است. این مهم نشان دهنده نبود هدف و حمایت دولتی از رویکرد بین المللی شدن شرکت ملی نفت ایران می باشد.

- متن قراردادهای منعقد شده پس از انقلاب به موجب قانون محرمانه شده است و امکان بررسی رویکرد شرکت ملی نفت و وزارت نفت به توانمندی فناورانه را از بین برده است و به دنبال آن امکان بررسی نحوه به اجرا در آمدنشان نیز قابل بررسی نخواهد بود. صرفاً می توان از تعدد قراردادها و تغییر چارچوب قراردادها به «آی پی سی» برای ایجاد جدایی برای طرف خارجی این برداشت را کرد که شرکت ملی نفت ایران در انجام عملیات نفتی توانمندی لازم را ندارد.

- رویکرد یکسان و کلی در قوانین نفت نسبت به انتقال فناوری و تربیت نیروی انسانی، نشان از دو نکته با اهمیت دارد: نخست آنکه بخش قانون گذاری از توانمندی ها و نقاط قوت و ضعف بخش بالادستی نفت بی اطلاع است و دوم آنکه نظام تدبیر امور در بخش بالادستی نفت ایران در جهت ثمرده کردن نفت هدف مشخصی را دنبال نمی کند و صرفاً تمرکز بر روی بهره برداری از میادین نفتی با نقص زیاد بعد سازمان افزار، دارد.

- هیچ یک از اسناد بالادستی نفت ایران هدف بین المللی شدن شرکت ملی نفت ایران را به صورت مشخص در دستور کار این شرکت قرار نداده است. یکی از مهمترین معطلات توسعه اقتصادی در کشور ما وجود شکاف قابل توجه میان اهداف، قوانین و عملکرد تحقق یافته در جامعه است. (متوسلی و فتح الهی، ۱۳۸۹: ۴۲) این مهم را در مرور قوانین و اساسنامه های تاریخ نفت ایران نیز دیده می شود. مانند ماده ۱۶ قرارداد داری مبنی بر تربیت نیروی انسانی و به کارگیری فزاینده نیروهای آموزش دیده در شرکت ایران-انگلیس در کوتاه ترین زمان که به علت عدم جدیت مسئولین وقت و بی میلی طرف انگلیسی، روح این مواد به اجرا در نیامد.

جدول ۴. کارکنان شرکت انگلیس و ایران

سال	کارمندان خارجی شرکت انگلیس و ایران (نفر)	نسبت کارمندان ایرانی به خارجی این شرکت (درصد)
۱۳۱۵	۲۰۵۰	۱۷/۲۵
۱۳۲۱	۲۸۶۴	۱۵/۱۲
۱۳۲۹	۴۵۲۰	۱۰/۴۵

منبع: فاتح، ۱۳۳۵: ۴۳۳

نمونه های قابل توجه دیگری نیز از مرور اسناد بدست می آید که نتایج آن در بندهای پیشین این جمع بندی ذکر شد.^۱ با مرور اسناد بالادستی می توانیم به تحلیل چارچوب نهادی این بخش طبق نظریه اُستروم برسیم که نتایج آن در جدول ۵ و ۶ آمده است.

۲-۴. دولت نوین نفتی، برهه های سرنوشت ساز و ایجاد نهادهای فراگیر:

بررسی ترتیبات نهادی در بخش بالادستی نفت ایران

بر طبق روش تحقیق در این پژوهش یعنی مطالعه هم زمان نهادهای حکمرانی و ترتیبات نهادی در این قسمت به مطالعه مورد دوم پرداخته شده است.

تاریخ نفت در آغاز قرن بیستم میلادی، داستان مانورهای ژئوپلیتیک جهان صنعتی حول رگ حیاتی آن یعنی نفت است. کشورهای صنعتی همیشه به دنبال منافع حیاتی خود در تأمین منابع و حصول اطمینان از آن بوده اند که هیچ کشوری نمی تواند بر تولید منابع تسلط داشته

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ج.ک. رساله دکتری مستانه جمشیدی رودباری که این مقاله برگرفته از آن است.

ثمرده کردن نفت تحت نهادهای استثماری: ساخت نهاد فراگیر | ۳۱

باشد. به همین منظور از شرکت های نفتی چند ملیتی خود تا حد امکان حمایت کرده اند. شرکت ها نیز از نفوذ خود برای به حداکثر رساندن منافع خود استفاده کرده و می کنند. با توجه به این نکته که این تأمین منافع با منافع بلندمدت مردمی که در کشورها صادرکننده نفت زندگی می کنند، الزاماً منطبق نیست. (کارل، ۲۰۰۷: ۲۶۲)

جدول ۵. صحنه کنش بخش بالادستی نفت ایران

دوره	بازیگران	موقعیت ها
قبل از ملی شدن نفت ایران	فرد غیر ایرانی طرف قرارداد (روسی و انگلیسی)	اکتشاف، توسعه و بهره برداری از میدین نفتی حوزه ی قرارداد و حفظ منافع کشور متبوع خود. صاحب اطلاعات برتر
	نماینده ای از طرف شاه	دریافت بهره مالکانه، اجاره و سهم نفت مصرفی از فعالیت شرکت در مناطق نفت خیز
ملی شدن صنعت نفت تا انقلاب ۱۳۵۷	شاه	ارتباط سیاسی با نمایندگان سیاسی و امنیتی، وزرای امور خارجه کشورهای متبوع عضو کنسرسیوم عمدتاً آمریکا و انگلستان، حفظ قدرت خود و منافع کشورهای عضو کنسرسیوم
	شرکت ملی نفت	حفظ منافع ایران، توسعه صنایع نفت، صنایع وابسته به آن، ازدیاد درآمد و بهبود محصولات، تربیت نیروی انسانی
	شرکت های عضو کنسرسیوم (۴۰ درصد آمریکایی، ۵۴ درصد انگلیسی، ۶ درصد فرانسوی)	اکتشاف، تولید، بهره برداری و فروش نفت ایران صاحب اطلاعات برتر، قدرت چانه زنی برتر، حافظ منافع کشورهای مصرف کننده متبوع خود
بعد از انقلاب اسلامی	شرکت ملی نفت	اعمال حق مالکیت ملت ایران نسبت به منابع نفتی و گازی سرتاسر کشور انجام عملیات نفت و گاز و پتروشیمی در داخل و خارج کشور، تربیت نیروی انسانی از سال ۱۳۹۵ به بعد: مدیریت و راهبری و انجام عملیات بالادستی نفت و صنایع وابسته و نیز تجارت نفت در داخل و خارج از کشور، مطالعه، اکتشاف و استخراج و تأکید و بهره برداری صیانت شده از منابع نفت به موجب قرارداد با وزارت نفت. تربیت نیروی انسانی و ارتقای فناوری
	وزارت نفت	اعمال اصل مالکیت و حاکمیت ملی ایران بر ذخائر و منابع نفت و گاز کشور در بهره برداری و بازاریابی، سرمایه گذاری در طرح های بزرگ. تولید صیانتی، افزایش سطح فناوری، صادرات و نظارت بر صادرات نفت
	هیات عالی نظارت	نظارت بر اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر منابع نفتی. نظارت بر اجرای اصل ۴۴، سیاست های راهبردی وزارت نفت، قراردادهای مهم نفت و گاز. تهیه گزارش سالیانه به رهبری و مجلس
	شرکت های نفتی خارجی طرف قرارداد	صاحب اطلاعات و فناوری برتر، ارائه عملیات افزایش تولید، اکتشاف، توسعه میدین نفتی و گازی حفظ منافع کشور متبوعشان و هم پیمانانشان

منبع: یافته های تحقیق

جدول ۶. متغیرهای برونزا چارچوب نهادی

متغیرهای برونزا			دوره
ارتباطات	قواعد	شرایط محیطی و سیاسی تأثیرگذار بر روی صحنه کنش	
ارتباطات پشت پرده و غیر شفاف، اختلاف قدرت چانه زنی قابل ملاحظه برای طرف خارجی به علت اطلاعات بیشتر و فناوری بالاتر، هر گونه حق خواهی از سوی طرف ایرانی که متضمن تغییر در شرایط قرارداد شود هزینه سنگین برای طرف ایرانی در پی داشته است.	هنجارهای جامعه	ساختار درآمد دولت (وابسته به نفت)	قبل از ملی شدن نفت ایران
	امتیازنامه ها	ساختار آموزشی و پژوهشی مرتبط با صنعت نفت	
ارتباطات پشت پرده و غیر شفاف، قدرت چانه زنی بالا برای طرف خارجی به علت اطلاعات بیشتر و فناوری بالاتر، اختلاف قدرت قابل ملاحظه شاه در تصمیم سازی در ایران، قدرت سیاسی برتر کشورهای عضو کنسرسیوم، نظم اجتماعی با دسترسی محدود.	هنجارهای جامعه	ساختار درآمد دولت (وابسته به نفت)	۱۳۵۷ تا انقلاب اسلامی
	قانون نفت ۱۳۳۶	لایه های سیاسی کشورهای عضو کنسرسیوم	
	قانون نفت ۱۳۵۳	تحریم های نفتی، مالی و فناوریانه (در زمان ملی شدن صنعت نفت)	
	اساسنامه شرکت ملی نفت ۱۳۳۱	ساختار آموزشی و پژوهشی مرتبط با صنعت نفت	
	اساسنامه شرکت ملی نفت ۱۳۵۶		
	قانون تأسیس وزارت نیرو ۱۳۵۳		
ارتباطات غیر شفاف، محرمانه بودن قراردادهای نفتی، عدم پاسخگویی، دیپلماسی (رویکرد تعاملی سیاسی) ایدئولوژیک محور به جای منافع محور نظام اختیار دهی جزیره ای نظم اجتماعی با دسترسی محدود	هنجارهای جامعه	مجلس شورای اسلامی	بعد از انقلاب اسلامی
	قانون تأسیس وزارت نفت ۱۳۵۹	حضور نظامیان در عرصه های مختلف	
	قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت ۱۳۹۱	شورای نگهبان	
	قانون نفت ۱۳۶۶	ساختار آموزشی و پژوهشی مرتبط با صنعت نفت	
	قانون نفت ۱۳۹۰	شورای عالی انرژی	
	اساسنامه شرکت ملی نفت ۱۳۹۵	ساختار درآمد دولت (وابسته به نفت) تحریم های نفتی، مالی و فناوریانه	

منبع: یافته های تحقیق

اتکا دولت ها به رانت استراتژیک نفت سبب شد در کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت، نظام دیوانسالاری درون گرا^۱ و سیستم های خدمات شهری مبتنی بر شایستگی و ارزش های عمومی همراه با آن به طور محکم شکل نگیرد و منجر به یک ازدواج راحت بین شرکت ها و حاکمان شود که البته با تنش همیشگی نیز همراه بوده است. (کارل، ۲۰۰۷: ۲۶۳).

صنعت نفت از قدیمی ترین صنایع مدرن ایران است. در ایران و چند کشور مشابه تعامل پویا بین شیوه رشد اقتصادی و توسعه نهادیشان با ورود شرکتهای نفتی چندملیتی به قلمرو

۱. internally oriented bureaucracies

سیاست های کشور مبتنی بر منبع درآمد نفت و نه مالیات شکل گرفته بنابراین سیاست گذاری ها درون گرا نیست و سمت و سوی الزام تأمین منافع کشورهای صنعتی خارجی متبوع شرکت های بین المللی نفتی را دارد.

خودشان آغاز شد. مهمترین مسئله، هم زمانی بهره برداری از منابع معدنی با مراحل اولیه تشکیل دولت نوین بوده است. (کارل، ۱۹۹۷/۱۴۰۱: ۲۹۱) نکته مهم دیگر آنکه در زمان کشف نفت در ایرن گرچه از رانت طبیعی نفت خبری نیست اما توسل به رانت و رانت جویی جوهره اصلی بیشتر روابط سیاسی و اقتصادی را تشکیل می داده است.^۱ (رضاقلی، ۱۳۹۷: ۱۹۳).

نفت در ایران توسط کشور انگلستان به بهره برداری رسید. کشوری که در آن نهادهای اقتصادی و سیاسی فراگیر طی بیش از دو قرن (بعد از انقلاب ۱۶۸۸ انگلستان) شکل گرفته بود. به دلیل انباشت دانش و نهادهای اقتصادی و سیاسی ای که از نوآوری و فعال سازی نبوغ حمایت می کرد، انقلاب صنعتی در آن منجر به پدیدار شدن کسب و کارهایی شد که از فناوری و نیروی ماهر استفاده می کرد (عجم اغلو و رایبسون، ۲۰۱۲/۱۳۹۷: ۱۴۹). بنابراین این کشور به لحاظ فناوری و نهادهای سیاسی و اقتصادی تفاوت قابل توجهی با ایران آن زمان داشته است و این اختلاف به همراه ویژگی دولت نوین نفتی ایران که پیشتر گفته شد سبب تسلط انگلستان بر ایران و انتفاع بیشتر از بهره برداری نفت شد. حفظ این انتفاع به طور قطع از خواسته های این کشور بوده است و این مهم را تا ملی شدن صنعت نفت و بعد از آن به شکل دیگری ادامه داده است.

در زمان ملی شدن صنعت نفت ایران، شرایط جدید در توازن قدرت کشورهای خارجی به وجود آمد و آن ورود آمریکا به صحنه جهانی تلاش برای نفوذ سیاسی و اقتصادی در منطقه خلیج فارس است. این مهم خود را در پذیرش صوری ملی شدن نفت ایران توسط انگلستان و بسته شدن قرارداد کنسرسیوم نشان داده است (آبراهامیان، ۲۰۲۱/۱۴۰۱: ۲۰۴-۳۰). برهه تاریخی بعدی در تاریخ نفت ایران رونق نفتی سالهای ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ بوده که در ایران حاصل از افزایش قیمت نفت سبب بیماری هلندی، کوچک شدن تولید ناخالص ملی و اثر منفی بر روی برنامه های صنعتی شدن مبتنی بر منابع نفتی شد. اندازه اثرات رونق نفتی در ایران و کشورهای مشابه متفاوت بوده و منجر به تغییراتی در رژیم و دولت ها شده است که بیشترین تغییر در ایران با تغییر در رژیم و دولت، انقلاب اسلامی و جنگ پدید آمد. (کارل، ۱۹۹۷/۱۴۰۱: ۲۹۳)

۱. در دوره قبل از کشف نفت در ایران درآمد دولت بیشتر مبتنی بر مالیات ستانی بوده است اما ظرفیت

مالیات ستانی دولت اندک بوده است..

جدول ۷. بی ثباتی سیاسی دولت نفتی ۱۳۷۱-۱۳۵۳

رتبه	تغییر حکومت	تغییر رژیم	تغییر دولت
۱. ایران	+	+	+
۲. نیجریه	+	+	-
۳. الجزایر	+	تهدید شد	تهدید شد
۴. ونزوئلا	+	تهدید شد	-
۵. اندونزی	-	-	-
۶. نروژ	+	-	-

منبع: (کارل، ۱۹۹۷/۱۴۰۱: ۲۹۴)

این برهه های سرنوشت ساز تاریخی به این دلیل اهمیت دارند که هم افزایی میان نهادهای سیاسی و اقتصادی استثماری و پشتیبانی این نهادها از یکدیگر، موانعی نیرومند در برابر بهبودهای تدریجی محسوب می شوند. تداوم این حلقه بسته، یک دور باطل به وجود می آورد. آنهایی که از حفظ وضع موجود منتفع می شوند، ثروتمند و دارای سازماندهی خوبی هستند بنابراین قادرند به نحوی موثر با تغییرات اساسی که امتیازات اقتصادی و سیاسی شان را از بین خواهد برد مبارزه کنند. (عجم اغلو و رایبسون، ۲۰۱۲/۱۳۹۷: ۱۵۳) بنابراین در دروه بعد از ملی شدن نفت تا قبل از انقلاب ۱۳۵۷ ایران با وجود وضع قوانین (ایجاد نهاد رسمی) برای نفت و تأسیس شرکت ملی نفت و اساسنامه ای که وظیفه حفظ منافع ایران و تولید نفت را بر عهده آن گذاشته است عملاً به علت وجود ریشه دار نهادهای استثماری در ایران و وجود نهاد رفتاری دولت رانتیر، ناکارآمد شد و نتوانست نهادی فراگیر شود.

در نقاط خاص تاریخ برخی تفاوت های کوچک اهمیت می یابند در واقع آنها تفاوت های نهادی اولیه هستند. حال اگر این تفاوت ها بزرگ باشند طبعاً به الگوهای واگرا تری منجر می شوند (همان: ۱۵۴). همین تفاوت ها سبب به وجود آمدن شرکت های ملی نفتی با درجه های اختلاف متفاوت شده است. مانند اختلاف شرکت ملی نفت ایران با شرکت های ملی نفت استات اویل^۲ (نروژ)، پتروناس^۳ (مالزی).

۱. تغییر در دولت با جایجایی بنیادی در ساختار مالی یا نهادهای خشونت و یا هردو اندازه گیری شده

است. تغییر در حکومت به صورت تغییر در قدرت دیده شده است.

۲. Statoil (Equinor)

۳. Petronas

۵. نتیجه گیری

در راستای ثمرده کردن نفت و حفظ منافع نسل حال و آینده و با توجه به مقدمه سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، هدف بین المللی شدن شرکت ملی نفت ایران که یکی از مصادیق تبدیل شرکت ملی نفت ایران به یک نهاد فراگیر است و تحقق آن در گرو اصلاح نظام تدبیر امور بخش بالادستی صنعت نفت ایران است، دنبال شد. نظام تدبیر امور، رکن سوم از تحلیل های چهار سطحی ویلیامسون است و برای اصلاح آن، بررسی دو سطح اول یعنی محیط نهادی (نهادهای رسمی و غیر رسمی) ضروریست. بدین منظور از نظریات چارچوب تحلیل نهادی اُستروم و نظم های اجتماعی نورث کمک گرفته شد و اسناد بالادستی و قراردادهای نفتی ایران، بازیگران بخش بالادستی نفت ایران و موقعیت های آنان و متغیرهای برونزای موثر بر این صحنه کنش بررسی و شرح داده شد. همچنین مفاهیم فناوری و بین المللی شدن، مرور تاریخ نفت ایران و دولت نوین نفتی بارویکرد قاعده نهادگرایی بیان شد. حاصل این بررسی به همراه توصیه های سیاستی مربوطه به شرح زیر است:

نفت در ایرن در شرایطی کشف و به بهره برداری رسید که نهادهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی لازم برای استفاده از این منبع و درآمد آن در جهت توسعه کشور و ساختن نهادهای فراگیر، وجود نداشت و دولت جدیدی در ایران پدید آمد که شیوه کسب درآمدش بر الگوی نهادسازی آن تاثیر گذاشت. نظام دیوانسالاری درون گرا و سیستم های خدمات شهری مبتنی بر شایستگی و ارزش های عمومی همراه با آن هرگز به طور محکم شکل نگرفت.

در ایران به این علت که ساختار مدنی توانایی گستراندن و نگهداری از هیچ نظام سیاسی - ای را نداشته است، اعمال خشونت به راحتی جزئی از نظام سیاسی شده و نظام اقتصادی نیز با توجه به این نظام سیاسی یک نظام اقتصادی غارتی توأم با اعمال خشونت بی حد و اندازه بوده است. غلبه چنین ساختار نهادی بر جامعه ایران بی گمان مانع از آن شد تا حکومتها بتوانند به نحوی اثر بخش به ایجاد نهادهای حقوق عمومی کارآمد اقدام کنند و به حمایت موثر از آن پردازند که از لوازم گذار جامعه از نظم محدود شکننده به نظم محدود پایه و سپس بالغ است. دستگاههای اجرایی مملکتی به عنوان مصادیق نهادهای حقوق عمومی مانند دستگاه قضا، دارایی، وزارت کشور و مانند آن، استعداد اصلاح خود و جلوگیری از فساد و مردم آزاری را نداشته و خود در فساد غوطه ور بوده و هست.

هدف بین‌المللی شدن شرکت ملی نفت هیچگاه در شرح وظایف این شرکت به طور رسمی تعریف نشده است. توان سازمان افزار شرکت ملی نفت قابل رقابت در سطح جهانی نیست و همین امر ایران را به بستن قرارداد با شرکت‌های بین‌المللی نفتی نیازمند می‌کند بنابراین باید بر روی تقویت این افزار از میان افزارهای فناوری تمرکز ویژه داشت.

برای موفقیت در بین‌المللی شدن ابتدا باید توان انجام عملیات نفتی را در سطح قابل رقابت جهانی پیدا کرد بدین منظور دولت همگرا و حامی با این هدف نیاز است. همچنین اصلاحات نهادی و تغییر نظام تدبیر امور متناسب با این هدف در بخش بالادستی نیز باید اعمال شود تا عدم حمایت‌هایی که دولت تا کنون داشته است و همراه نبودن شرکت‌های بین‌المللی نفتی در شکل‌گیری این شرکت و انتقال فناوری نیز جبران شود.

تخصیص سیاسی دلارهای نفتی، محرمانه بودن حجم قابل توجه از اطلاعات مهم نفتی، نهاد ناظر بر منابع نفتی ضعیف و غیرخبره، نبود اطلاعات کافی از وضعیت واقعی مخازن کشور در وزارت نفت و شرکت ملی نفت، سلطه تفکر قدمت‌دار «تمدن غربی بدون دخالت ایرانی» در بخش بالادستی نفت کشور، حضور نظامیان در ائتلاف مسلط بهره‌مند از رانت نفت و تصمیم‌ساز برای بخش بالادستی صنعت نفت کشور، سیستم اختیاردی جزیره‌ای و نه سلسله‌مراتبی در این بخش ایجاب می‌کند که برای تبدیل شدن شرکت ملی نفت ایران به یک شرکت ملی - بین‌المللی تغییراتی در رویکرد ائتلاف حاکم بهره‌مند از رانت ایجاد شود. به عبارتی طبق نظریه نورث برای شروع گذار به نظم دسترسی باز باید اعمال خشونت را به حداقل رساند از طریق اثبات این موضوع برای ائتلاف حاکم که اولویت قرار گرفتن این هدف و اعمال تغییرات نهادی لازم مبتنی بر آن موجبات کاهش رانت این ائتلاف را فراهم نخواهد آورد. در واقع در این تغییر ماهیت رانت تغییر خواهد کرد و از رانت ضد تولید و ارزش زدا تبدیل به رانت دانایی محور و تقویت‌کننده کیفیت محصولات و قیمت‌های کمتر است. در واقع برخورداری آنها از رانت هم راستا با رانت شومپتری خواهد شد.

برای همراه کردن این ائتلاف با این هدف ملی نیازمند ساختن نهادهایی در سطوح یکم و دوم تحلیل‌های اجتماعی و ویلیامسون هستیم که به نظر می‌رسد راهی جز چانه‌زنی‌های مستمر مبتنی بر دانش از طریق کارشناسان خبره، صاحب‌دانش و تولیدکننده دانش بخش بالادستی نفت خارج از ائتلاف با تصمیم‌سازان غیرخبره داخل ائتلاف ندارد. زیرا همانطور که عموم متفکران توسعه و فیلسوفان علم نظیر میشل فوکو، باور دارند دانایی از جنس قدرت

است با این تفاوت که ساز و کار آن اقناع است. به این مفهوم که صاحب قدرت فاقد دانایی را متقاعد کند که منافع او، منافع عمومی و بین نسلی از کانال دانایی با هم هم‌راستا می‌شوند. سپس به کمک حمایت ائتلاف حاکم، نظام تدبیر امور بخش بالادستی نفت را در جهت توانمند کردن شرکت ملی نفت ایران برای انجام عملیات نفتی موفق در داخل و قابل رقابت در سطح جهانی تغییر داد. البته این مهم باید به کمک خبرگان این بخش و البته خارج از ائتلاف صورت بگیرد چرا که در بررسی‌های تاریخی نشان داده شد که بهره‌مند شدن از رانت نفت مانع تصمیم‌گیری‌های درست و به موقع در جهت منافع ملی شده است.

تعارض منافع

تعارض منافی ندارم

سیاس‌گذاری

راهنمایی‌ها و زحمات هیئت تحریریه پژوهشنامه مزید امتنان است.

منابع

- آبراهامیان، پرواند (۱۴۰۱). *بحران نفت در ایران* ترجمه: محمد ابراهیم فتاحی. چاپ سوم، نشر نی، تهران، اصل این کتاب مربوط به سال ۲۰۲۱ است)
- چکنی، میترا (۱۳۹۳). مدیریت مخازن اجتناب‌ناپذیر است. *ماهنامه علمی اکتشاف و تولید نفت و گاز*، دوره ۱۳۸۳، شماره ۱۵.
- درخشان، مسعود و تکلیف، عاطفه (۱۳۹۴)، «انتقال و توسعه فناوری در بخش بالادستی صنعت نفت ایران: ملاحظاتی در مفاهیم، الزامات، چالش‌ها و راهکارها»، *پژوهشنامه اقتصاد انرژی*، سال چهارم، شماره ۱۴، صفحات ۸۸-۳۳.
- درخشان، مسعود (۱۳۹۳)، «قراردادهای نفتی از منظر تولید صیانتی و ازدیاد برداشت: رویکرد اقتصاد مقاومتی»، *دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی*، سال ششم، شماره دوم، پیاپی ۱۲، صفحات ۵۷-۷.
- درخشان، مسعود (۱۳۹۲)، «ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی: رویکرد اقتصادی - تاریخی به عملکرد قراردادهای نفتی در ایران»، *فصلنامه اقتصاد انرژی ایران*، سال سوم، شماره ۹، صفحات ۱۱۳-۵۳.

- رضاقلی، علی (۱۳۹۲). جامعه شناسی خودکامگی. چاپ ۳۲، نشر نی، تهران
- روحانی، فواد (۱۳۵۲). تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران. چاپ اول، انتشارات فرانکلین و شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- سعیدی، علی محمد (مقاله اول). (۱۳۸۱). موقعیت نفت و گاز کشور در بازارهای نفت و گاز جهان. مجلس و پژوهش، شماره ۳۴ سال ۹.
- شکوہی، علیرضا و نادران، الیاس (۱۳۹۲). «سازماندهی تولید در شرکت ملی نفت ایران: کاربرد نظریه اقتصاد هزینه مبادله»، فصلنامه اقتصاد انرژی ایران، سال دوم، شماره ۸، صفحات ۱۸۳-۱۶۳.
- فاتح، مصطفی (۱۳۳۵). پنجاه سال نفت ایران. چاپ اول، انتشارات سهامی چهر.
- کاتوزیان، محمد علی همایون (۱۳۹۰). ایران جامعه کوتاه مدت و ۳ مقاله دیگر. ترجمه عبدالله کوثری، چاپ چهارم، نشر نی، تهران.
- کارل، تری لین (۱۴۰۱). معمای فراوانی: رونق های نفتی، و دولت های نفتی ترجمه جعفر خیرخواهان. نشر نی، چاپ یازدهم، تهران. (اصل این کتاب مربوط به سال ۱۹۹۷ است).
- گالبرایت، جان کنت (۱۳۹۳). آنتومی قدرت. ترجمه محبوبه مهاجر، نشر سروش، تهران، (اصل این کتاب مربوط به سال ۱۹۸۳ است).
- عابدی، زهرا (۱۳۷۶). بررسی تحولات صنعتی-تکنولوژیک کشور در سالهای ۷۲-۱۳۲۷ و ارائه استراتژی لازم به منظور انتقال تکنولوژی مناسب. وزارت امور اقتصادی و دارایی، چاپ اول، تهران.
- عجم اغلو، دارون و رابینسون، ج. (۱۳۹۷). چرا ملت ها شکست می خورند؟ ریشه های قدرت، ثروت و فقر ترجمه: محسن میردامادی و محمد حسین نعیمی پور. تهران، نشر روزنه. (اصل این کتاب انتشار سال ۲۰۱۲).
- عزیزی، مجتبی، صبحیه، محمد حسین و بمانیان، محمدرضا (۱۳۸۶). جایگاه و اهمیت مدیریت انتقال تکنولوژی در صنعت نفت کشور. مدیریت پروژه، شماره ۶، صفحات ۲۳-۱۴.
- مومنی، فرشاد (۱۳۹۹). مرزهای دانش توسعه: حکمرانی، رشد و توسعه. چاپ اول، نشر نهادگرا، تهران.
- مومنی، فرشاد و عالی زاده، اسماعیل و میره بیگی، وحید (۱۳۹۸)، «پیشنهاد یک چارچوب مفهومی نهادگرایانه برای مطالعه مسائل توسعه ای کشورهای وابسته به منابع طبیعی»، فصلنامه علوم اجتماعی، سال ۶۲، شماره ۶۲ صفحات ۸۶-۷۳.
- مؤمنی پور، الهام و وحید، هادی (۱۳۹۵)، «نفت علت یا معلول: تحلیل اقتصادی مالکیت بر نفت در پرتو حقوق مالکیت کارآمد (از منظر نظریه نهادی و رهیافت نظم اجتماعی)»، انتشارات خرسندی، تهران.

«میزگرد: شورای عالی انرژی از حرف تا عمل»، مصاحبه با مسعود درخشان و غلام حسین حسنتاش و داوودی و خسروی زاد، *اقتصاد انرژی*، تیر ۱۳۸۱، شماره ۳۸، صفحات ۱۷-۲۸.

نورث، داگلاس و والیس، جوزف و وینگاست، باری و استیون، بی (۱۳۹۴)، «سیاست، اقتصاد و مسایل توسعه در سایه خوشونت» ترجمه: محسن میردامادی و محمدرضا نعیمی پور. انتشارات روزنه، چاپ چهارم (اصل این کتاب مربوط به سال ۲۰۱۲ است).

نورث، داگلاس (۱۳۸۵)، «اقتصاد نهادی نوین و توسعه»، ترجمه: فرشاد مومنی، فصلنامه *اقتصاد سیاسی*، سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۸۵، صفحات ۱۰۳-۹۲. (اصل این مقاله مربوط به سال ۱۹۹۲ است)

نوروزی، محمد، امانی، مسعود و گودرزی، غلامرضا. (۱۳۹۵). بررسی موانع انتقال و توسعه فناوری در بخش بالادستی صنعت نفت: رویکرد تحلیلی. فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، (۵۲)، ۱۳-۲۵۲.

همایش ملی ثروت ملی توسعه پایدار، مجموعه مقالات، انتشارات صندوق توسعه ملی آذر ۱۳۹۱.

References

- Acemoglu, Daron and. Robinson, James A. (۲۰۱۲). *Why Nations Fail the origins of power ,prosperity, and poverty*, Crown Publishers, USA.
- Andrews, M., Pritchett, L. and Woolcock ,M. (۲۰۱۷). *Building State Capability: Evidence, Analysis, Action*. Oxford University Press.
- Antolín n, María José Paz and Cendrero, Juan Manuel Ramírez (۲۰۱۳). How important are national companies for oil and gas sector performance? lessons from the Bolivia and Brazil case studies. *Energy Policy*, vol.۶۱, pp.۷۰۷-۷۱۶.
- Bhattacharyya, S. and Hodler, R. (۲۰۱۳). Do Natural Resource Revenues Hinder Financial Development? The role of political institutions. *World Development*, vol. ۵۷, pp. ۱۰۱-۱۱۳.
- Boscheck, Ralf (۲۰۰۷), "The governance of oil supply: an institutional perspective on NOC control and the questions it poses", *International Journal of Energy Sector Management*, vol. ۱, Iss ۴, pp. ۳۶۶ - ۳۸۹.
- Bromley, D. (۲۰۰۱), "Property rights and institutional change. In: Conference on Property Rights and Institutional Change. September, Fredericia, Denmark.

- De Medeiros Costa, Hirdan Katarina and Dos Santos, Edmilson Moutinho (۲۰۱۳). Institutional analysis and the 'resource curse' in developing countries. *Energy Policy*, vol.۶۳, pp.۷۸۸-۷۹۵.
- Dietsche, Evelyn (۲۰۱۲). Institutional change and state capacity in mineral-rich countries. *Mineral rent and the financing social policy*, Palgrave Macmillan, chapter ۵, London.
- Galbraith. J.K. (۱۹۸۳). *The anatomy of power*. Houghton Mifflin, Harcourt.
- Gill, G. (۲۰۰۳). The nature and development of the modern state. Palgrave, Basingstoke
- Karl Lynn, Terry (۲۰۰۷). *Escaping the resource curse*. Editors: Macartan Humphreys, Jeffrey D. Sachs and Joseph E. Stiglitz, Columbia University Press New York, pp.۲۵۶-۲۸۵.
- Karl Lynn, Terry (۱۹۹۷). *The Paradox of Plenty, Oil Booms and Petro States*. University of California Press, Berkeley · Los Angeles · London
- Kalyuzhnova, Yelena (۲۰۰۶). Overcoming the curse of hydrocarbon: goals and governance in the oil funds of Kazakhstan and Azerbaijan. *Comparative Economic Studies, Palgrave journals* no.۴۸, pp.۵۸۳-۶۱۳
- Kalyuzhnova, Yelena and Nygaard, Christian (۲۰۰۸). State governance evolution in resource-rich transition economies: An application to Russia and Kazakhstan. *Energy policy*, vol.۳۶, pp. ۱۸۲۹-۱۸۴۲.
- Larsen, E.Røed(۲۰۰۵). Are rich countries immune to the resource curse? Evidence from Norway's management of its oil riches. *Energy policy*, vol.۳۰, pp. ۷۵-۸۶.
- Marcel, Valérie (۲۰۱۶). Guidelines for good governance in emerging oil and gas producers ۲۰۱۶. Energy, Environment and Resources Department, Chatham House.
- Matallah, Siham (۲۰۲۰). Economic diversification in MENA oil exporters: Understanding the role of governance. *Resources Policy*, vol.۶۶.

- Mehlum, Halvor and Moene, Karl and Torvik, Ragnar (۲۰۰۶). Institutions and the recourse curse. *The Economic Journal*, vol.۱۱۶ (January), pp. ۱-۲۰.
- Melyoki, Lemayon L. (۲۰۱۶). The governance of the petroleum sector in Tanzania: Institutional arrangements and the role of the National Oil Company. *The Extractive Industries and Society*, vol.۴(۱), pp.۱۸۰-۱۹۰.
- Noreng, Oystein, (۱۹۸۰). *The Oil Industry and Government Strategy in the North Sea*. London and Boulder, Colo.: Croom Helm, ICEED.
- North, D. C., (۲۰۱۲). In the Shadow of Violence: Politics, Economics and the Problem of Development,
- North, D. C., Wallis, J.J. and Weingast, Barry R. (۲۰۰۹). *Violence and Social Orders: A Conceptual Framework for Interpreting Recorded Human History*, Cambridge University Press.
- North, Douglass C. (۱۹۹۹). *Understanding the Process of Economic Change*. Princeton University Press.
- North, Douglass C. (۱۹۹۲). Transaction Costs, Institutions, and Economic Performance. *Journal of Institutional and Theoretical Economic*, ۱۴۰.
- North, Douglass C. (۱۹۹۰). *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*, Cambridge University Press.
- Stevens, Paul and Lahn, Glada and Marcel, Valérie and Mitchell, John and Myers, Keith (۲۰۰۷). Report on good governance of the national petroleum sector. *Royal Institute of International Affairs*, Chatham House.
- Tsani, Stella (۲۰۱۳). Natural resources, governance and institutional quality: The role of resource funds. *Resources Policy*, vol.۳۸, pp.۱۸۱-۱۹۵.
- Thuber, Mark C. and Instad, Benedict Tangen (۲۰۱۰). Norway's evolving champion: Statoil and politics of state enterprise. *Program on Energy and Sustainable Development (PESD)*, Stanford University, working paper.

Williamson, Oliver E. (۲۰۰۵). *Transaction Cost Economics*. C. Ménard and M. M. Shirley (eds.), *Handbook of New Institutional Economics*, Springer. Printed in the Netherlands. pp. ۴۱-۶۵.

Williamson, Oliver E. (۲۰۰۰). The New Institutional Economics: Taking Stock, Looking Ahead. *Journal of Economic Literature*, Vol. XXXVIII, pp. ۵۹۵-۶۱۳.

Williamson, Oliver E. (۱۹۹۸). The Institutions of Governance. *The American Economic Review*, Vol. ۸۸, No. ۲, Papers and Proceedings of the Hundred and Tenth Annual Meeting of the American Economic Association (May, ۱۹۹۸), pp. ۷۵-۷۹

Williamson, Oliver E. (۱۹۹۶). *The Mechanisms of Governance*. Oxford University Press. New York.

Williamson, Oliver E. (۱۹۹۱). Comparative Economic Organization: The Analysis of Discrete Structural Alternatives. *Administrative Science Quarterly*, Vol. ۳۶, No. ۲, pp. ۲۶۹-۲۹۶.

In Persian

Abedi, Z. and Abedi, KH. (۱۹۹۷). *Investigating the country's industrial-technological developments in ۱۳۲۷-۷۲ and providing the necessary strategies to transfer appropriate technology*. Published by Ministry of Economic Affairs and Finance, Tehran. [In Persian]

Abrahamian, y. (۲۰۲۱). *Oil Crisis in Iran: From Nationalism to Coup d'états* (Fatahi, M.A. Trans.). Nei Publishing House, Tehran. [In Persian]

- Azizi, M., Sobhieh, M.H. and Bemanian, M.R. (۲۰۱۶). Examining the position and importance of technology transfer management in the country's oil industry. *Project management*, ۶. [In Persian]
- Azizi, M. (۲۰۰۷). Investigating the management framework of the technology transfer process in the oil projects of the country. MA theses, Tarbiat Modares University, Tehran. [In Persian]
- Derakhshan, M. and Taklif, A. (۲۰۱۵). The Transfer and Development of Technology in Iranian Upstream Oil Sector: Considerations on the Concepts, Requirements, Challenges and Remedies. *Iranian Energy Economics*, ۴(۱۴), ۳۳-۸۸. [In Persian]
- Derakhshan, M. (۲۰۱۴). Desired Properties in Oil Contracts: Economic and Historical Approach in the Performance of Iranian Oil Contracts. *Iranian Energy Economics*, ۳(۹). [In Persian].
- Katoozian, Homayun M.A. (۲۰۱۱). *Iran is a short-term society and three other articles*. Nei Publishing House, Tehran. [In Persian].
- Meidari, A. and Khaikhahan, J. (۲۰۰۴). *Good governance is the foundation of development*, Publisher: Islamic Council Research Center, Tehran, [In Persian].
- Momeni, F. (۲۰۲۰). knowledge boundaries of development/governance, growth and development. Institutional publication, Tehran. [In Persian].
- Momeni, F., Aalizad, I. and Mirebeigi, V. (۲۰۱۹). Proposing an Institutional Conceptual Framework for the Study of Development Issues in Countries with Dependence on Natural Resources. *Social Sciences*, ۲۶(۸۶), [In Persian].
- Momenipur, E. (۲۰۱۱). *Oil is cause or effect: economic analysis of oil ownership in the light of effective property rights (from the perspective of institutional theory and social order approach)*. Khorsandi Publication, Tehran, [In Persian].
- North, D. (۱۹۹۲). New institutional economy and development (Farshad Momeni Trans. ۱۳۸۵). *Quarterly Journal of Political Economy of All-round Transformation*, ۱(۱), [In Persian].
- Nowrozi, M., Amani, M. and Goudarzi, Gh. (۲۰۱۶). Investigating barriers to technology transfer and development in the upstream sector of the oil industry: an analytical approach. *Quarterly Journal of Energy Economics*, ۱۳ (۵۲): ۱۸۱-۲۱۵, [In Persian].
- Reza Qoli, A. (۲۰۱۳). *The sociology of autocracy*. Nei Publishing House. [In Persian].